سرشت بشری

کنکاشی در عروج انسان در
فرآیند تکامل و مدنّیت

دکتر ذبیح مدرسی

www.takbook.com

پیشگفتار

بخش اول – تاریخچه هستی

پیدایش کائنات 2

تشکیل ملوکول های آلی 4

ساختار اصلی حیات 8

مراحل تکامل مغز 11

شجره نامهٔ انسان 14

بخش دوّم – مغز و ذهن

عملکرد نیمکره های مغز 2

تفاوت مغز انسان و حیوان 5

خواب و تعبیر رویا 7

غریزه و انسان 10

جهان در مغز 11

بخش سوّم – اریکهٔ خدایان

ترس و مرگ (مادرخدایان) 2

انسان و خدایان 4

کاهنین و مبلغین دینی 8

بخش چهارم – دین و چالش های جهان امروز

نظریه فرانسیس بکین 2

اصول بنیادین ادیان 4

دین در جهان امروز 5

بخش پنجم – موانع ساختاری جامعه مدنی

www.takbook.com

جامعه و مدرنیته 2
لیبرالیسم و چالش های آن 5
رسانه های جمعی و تلقین پذیری انسان 7
آرمان گرایی و توتالینز 9
جامعه مدنی 12
منابع فارسی و انگلیسی 16

www.takbook.com

هیچ تحقیقی مفیدتر از آنچه هدفش شناخت سرشت و حدود معرفت انسان باشد، نمی توان پیشنهاد کرد.
(دکارت)

پیشگفتار

هدف این کتاب پرداختن به مباحثی درباره هستی شناسی انسان و تکامل مدنیت بر پایه دستاوردهای بزرگ علمی در حوزه های زیست شناسی، علوم اعصاب و جامعه شناسی و یافتن پاسخ های برای چالش های فکری و چیستی انسان معاصر است. تلاش بر آن بوده است تا مباحث ارائه شده به زبانی ساده و دور از تکّلف به طور اختصار مورد کنکاش قرار گیرند.

در حقیقت این نوشتار گشودن پنجره و چشم اندازی مختصر و فشرده بر عروج انسان در روند تکامل و جایگاه ذهن و اندیشه بشری در ساختار مدنیت و جامعه می باشد، بی آنکه نسبت به چالش های فرهنگی و جامعه شناسی معاصر که موانعی جدی در راه بهروزی انسان اند، بی تفاوت مانده باشد.

در عصر پر شتاب علمی جهان امروز که هر روز پرده ای از رازها هستی به کار می رود، داستان عروج انسان، دفتری

www.takbook.com

گشوده است و هنوز فردا را ننوشته اند.

دکتر ذبیح مدرسی

•

÷بخش اول

تاریخچه هستی

1. پیدایش کائنات

مهبانگ (*Big Bang*)

پیدایش منظومه شمسی

کره زمین

پیدایش مواد آلی در جوّ زمین

2. نشانه های حیات

3. ساختار اصلی حیات

4. فرآیند جهش های ژنی و تکاملی

5. مراحل تکامل مغز

مغز خزندگان

مغز پستانداران

مغز انسان

6. شجره نامهٔ انسان

میمون ماداگاسگار

اجداد اولیه

انسان ایستاده

انسان نئاندرتال

عصر یخبندان

انسان دانا

تکامل زیستی و فرهنگی نژاد انسان

www.takbook.com

پیدایش کائنات

در مورد چگونگی تکوین هستی و خلفت انسان (آدم و حوا) پیوسته بین الهیون و مادیون چالش‌های فلسفی بزرگی وجود داشته است که از دوران یونان قدیم و حتی قبل از آن تا به امروز ادامه یافته است و از آنجا که عقلانیت انتقادی، و فهم واقعیت های جهان یک فرآیند پایان ناپذیر است، هنوز هیچکدام به تکافوی ادّله نرسیده اند.

امّا تا آنجا که به علم مربوط است، دانش بشری با تعیین حدود زمان پیدایش کائنات و تاریخچه زمان حداقل بخشی از این ابهامات را زدوده است، هر چند این پایان کار نیست.

مهبانگ

تعیین زمان تقریبی پیدایش کائنات عمدتاً مرهون تلاش های فیزیکدان برجسته انگلیسی استیون هاوکینگ (*Stephen w.Hawking*) می باشد که با بهره گیری از قوانین کوانتوم و نسبیت انشتین نظریه مهبانگ (*Big Bang*) خود را در سال 1974 مطرح ساخت.

براساس نظر مهبانگ پیدایش کائنات در حدود 15 میلیارد سال قبل به وقوع پیوسته است و یک میلیارد سال طول کشیده است تا نخستین کهکشان به وجود آمدند.

www.takbook.com

پیدایش منظومه شمسی

کهکشان راه شیری (*milky way*) که خود یکی از چند ده میلیون کهکشانی است که در عالم وجود دارند. در 10 میلیارد سال قبل (و به عبارتی 5 میلیون سال بعد از مهبانگ) به وجود آمده است.

این کهکشان مارپیچی راه شیری به تنهایی از 400 میلیارد ستاره تشکیل شده است و خورشید با همه عظمتش تنها یکی از ستاره های راه شیری است.

در 5 میلیارد سال قبل منظومه شمسی در اثر برخورد و بهم پیوستن اجرام آسمانی که حول محور خورشید قرار داشتند. پا به عرصه حیات نهاد، منظومه ای که از نه ستاره تشکیل شده است و کره زمین، سومّین ستاره منظومه شمسی است و خورشیددر فاصله 15000 سال نوری کهکشان شیری قرار دارد و زمین هر سال یک دور در مدار بیضوی شکل خود حول خورشید می چرخد.

کره زمین

www.takbook.com

کره زمین با آسمان نیلگون و طبیعت دل انگیزش دارای چند ویژگی منحصر به فرد بوده است که امکان تحول و ظهور حیات را برایش مهیا کرده است.

نخست آنکه فاصله 15000 سال نوری زمین با خورشید شرایطی را به وجود آورده که میزان تابش اشعه خورشید به آن دمای مناسبی در سطح کره زمین ایجاد کرده است

از طرفی کره زمین دارای نیروی جاذبه کافی و موثری بوده که برای حفظ و نگهداری جو (اتمسفر) دور زمین کفایت می کند و وجود این اتمسفر زمین را از تابش اثرات زیان آور اشعه های کیهانی و نور مستقیم خورشید مصون نگهداشته است.

همچنین وجود اتمسفر حول کره زمین عاملی است که خطر بر خورد شهاب سنگ های پراکنده در فضا را با زمین به حداقل رسانده و در صورت بر خورد آنها با جو زمین در اثر اصطکاک و گرمایش شدید، گداخته و متلاشی می شوند.

مدت یک میلیارد سال طول کشیده است تا کره گداخته زمین به تدریج سرد گردد و به سیاره ای با هسته گداخته سیلسیکاتی و یک پوسته کربنی و اتمسفری که آن را احاطه کرده بود، تبدیل شود.

تشکیل ملکول های آلی

همانگونه که اشاره رفت در 4 میلیارد سال قبل، کره زمین سیاره ای با هسته گداخته مرکزی و یک پوسته کربنی و جوی مملو از گازهای متان، آمونیاک، هیدروژن، گاز کربنیک و بخار آب بوده است که مهار شدن این گازها در اتمسفر (جو) زمین، شرایط را برای تحولات بعدی مهیا کرده است.

www.takbook.com

ملکول های گازی شناور در زیر اتمسفر زمین در اثر نور شدید خورشید و پرتوهای فرابنفش (*ultraviolet*) به مرور شکسته شده و ترکیب گردیدند و به عناصر پیچیده تر وکامل تری در آمدند، و اولین ملکول های آلی را که در ترکیب موجودات زنده وجود دارد، شکل دارند.

در طی 500 سال این مولکول ها به همراه رگبارهای سیل آسای ناشی از تراکم بخار آب در لایه های سرد اتمسفر بر زمین باریدند و طی میلیون ها سال در اثر فعل و انفعالات طولانی امکان تشکیل مولکول های آلی پیچیده تر و پدید آمدن ساده ترین شکل حیات و موجودات ذره بینی در سه میلیارد سال قبل در کره زمین مهیا گردید و به عبارتی فرآیند تشکیل حیات خلق الساعه نبوده و میلیون ها سال زمان برده است.

قابل ذکر است که در 20 ماه می 2008 در مقاله ای که در مجله علوم طبیعت (*Nature*) توسط دانیل گیبسون (*Daniel Gibson*) انتشار یافت ساخت اولین *DNA* مصنوعی با شبیه سازی از نوعی باکتری (*Mycoplasma Genitalium*) توسط مواد آلی در شرایط آزمایشگاهی را به اطلاع جهانیان رساند که ویژگی های یک موجود زنده از جمله توانایی تکثیر خود را داشت و نشان داد که در شرایط مساعد، ساز و کار حیات از مواد بی جان میسر است، و بدین ترتیب پرده ای از رازهای جهان به کنار رفت.

نشانه های حیات

بر خلاف نظر رایج، حیات در اقیانوس های پدید نیامد، بکله به احتمال زیاد در ژرفای کم ساحل و مرداب ها و قسمت هایی که در مدت روز گرم بودند و در شب سرد، شکل گرفت.

www.takbook.com

پاره ای از ملکول های موجود در رژفای کم ساحل که از ترکیبات اسیدهای آمینه بودند، میل به آب داشتند و گروهی نداشتند، که این گروه دوم شکلی مدوّر و گلوله مانند یافتند تا سطح بیرونی شان با آب در تماس باشد. اما درونشان راه به آب نداشته باشد و برای اولین بار در تاریخ آفرینش پدیده ای شکل گرفت که هم درون داشت و هم بیرون و تکامل همین درون بود که گلبول های کوچک را تا پیدایش حیات رهنمون کرد.

مزیت این گلوله های نیمه نفوذپذیری شان بود که اجازه می داد پاره ای از مولکول های ریز به درونشان راه یافته و به دام بیفتند و واکنش های شیمیایی را پدید آورند. البته بسیاری موارد واکنش های شیمیایی غشاء را می ترکاند و مولکول ها در محیط پیرامون پخش می شد و بر عکس در بسیاری موارد این فعل و انفعالات شیمیایی موجب مقاوم تر شدن غشاء می شدند و بدین ترتیب تنها قطره هایی دوام آوردند که ترکیب های شیمیایی درونشان مناسب شرایط بیرونی بود، یعنی همان هایی که توانستند مواد خارجی را از غشاء گذرانده، به درون خود بکشانند و دیگرانی هم بودند که توانستند برخی مواد رنگی را درون خود نگه دارند و با جذب نور، فوتون ها را تبدیل به الکترون کرده و کنش های تخمیری پیچیده تری را در درون خود فراهم سازند و این فعل و انفعالات حدود 500 میلیون سال به طول انجامید. تا نهایتاً درون این قطره ها زنجیره ای از مولکول های ویژه یعنی زنجیره *RNA* (*Ribonucleic Acid*) که مرکب از چهار باز ویژه بودند، شکل گرفت که دارای قدرت شگفت انگیز تولید خود به خود گردید، به معنایی که یک قطره توانست به دو قطره تقسیم شود و قطره

www.takbook.com

جدید دارای *RNA* مشابه باشد. اما این همانند سازی هنوز به معنای داشتن حیات و موجود زنده نبود.

واکنش های شیمیایی همچنان در درون *RNA* ادامه یافت و ضوابط تولید به مرور کامل و کامل تر شدند به گونه ای که تارهای *RNA* دو به دو جفت شدند و مارپیچ دوگانه محکمتری که توسط بازهای عالی به هم پیوسته بوند، یعنی ساختمان *RNA* (*Deoxy Ribonucleic Acid*) را بوجود آوردند که دارای سه ویژگی موجود زنده یعنی تأمین ایمنی، اداره و تولید خودش گردید، همان سه اصلی که مشخصه سلول است و ساختار اولیه تمام موجودات زنده از باکتری تا انسان بر آن استوار است.

به این ترتیب اولین نشانه های حیات در حدود 3 میلیارد سال پیش روی کره خاکی زمین پدیدارگشتند.

بعدها همین سلول های اولیه با جذب اشعه خورشید و گاز کربنیک موجود در هوا اکسیژن تولید کردند. اکسیژن هم اُزن را آفرید و ازن به نوبه خود به سطوح بالایی جوّ رفت و مانع تابش بیش از حد اشعه فرابنفش گردید، یعنی حیات خود ساز و کار امنیت وجودی خود را فراهم آورد.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت گرچه در طبیعت وجود حالات نامنظم عموماً بیش از حالات منظم است ولی «عمدتاً» به معنای «همیشه» نیست، مطابق قانون احتمالات، با وجود بی نظمی در بخشی از جهان، احتمال برقراری نظم در بخشی دیگر وجود دارد و در ساختار پیدایش حیات، روال طبیعت خلق الساعه نبوده و کار طبیعت مرحله به مرحله پیش رفته است.

اتم ها مولکول ها را تشکیل می دهند، مولکول ها بازها را می سازند، بازها راهنمای ساخته شدن آمینواسیدها (مواد آلی) هستند و آمینواسیدها

www.takbook.com

پروتئین را می سازند و پروتئین ها در ساختمان سلول به کار می روند.

سلول ها به نوبه خود ابتدا جانوران ساده و سپس در مراحل بعدی جانوران پیچیده تری را تشکیل می دهند و این همان است که حیات را طی فرآیندی طولانی و آهسته ولی پیوسته از پله های تکامل انواع بالا برده است.

www.takbook.com

ساختار اصلی حیات

ساختار اصلی حیات در همه موجودات زنده از تک سلولی تا انسان توسط *DNA* (*Deoxy Ribonucleic Acid*) که نوعی اسید نوکلئیک است صورت می گیرد که در داخل سلول ها به شکل سازه ای بنام کروموزوم قرار دارند و نقش آن ذخیره سازی طولانی مدت اطلاعات ژنتیکی وارثی می باشد.

کشف ساختمان *DNA* مرهون تلاش های دو دانشمند در دانشگاه کمبریج انگلیس به نام های کریک و واتسون می باشد که نخستین بار در 25 آوریل 1953 در مقاله ای تحت عنوان «ساختمان مولکولی اسیدهای نوکلئیک» که در مجله علمی طبیعت منتشر شد. در سال 1962 جایزه نوبل در رشته پزشکی به طورمشترک به آنان تعلق گرفت.

DNA از نظر شیمیایی از واحدهایی از قند و فسفات بصورت دو زنجیره مارپیچ تشکیل شده اند که توسط بازهای آلی" آدنین و تیمین"،" گوانین و سیتوزین" به هم متصل می گردند؛ به عبارتی *DNA* را می توان به پله ای مارپیچی بلندی تشبیه کرد که جفت بازهای آدنین – تیمین و یا گوانین – سیتوزین پله های آن را می سازند که ترتیب متناوب و بسیار متنوع این بازهای آلی روی مارپیچ *DNA*، ژن های تمام موجودات زنده را می سازند.

انسان دارای 23 جفت کروموزوم می باشد که بر روی هر کروموزوم 30000 ژن قرار گرفته است و برای انتقال هر صفت ارثی چندین ژن دخالت می کنند و به عبارتی مجموع ژن هایی را که در هر واحد کروموزوم ناقل صفات ارثی والدین هستند، ژنوم (*Genum*) می نامند.

www.takbook.com

با شناخته شدن ژنوم انسان که در سال 2000 رسماً اعلام گردید و این حقیقت که 99 %ژنوم انسان و شامپانزه مشابه می باشد و اختلاف ژنتیکی انسان از اجدادش تنها یک درصد می باشد. برگ تاییدی بر نظریه تکامل انواع داروین زد.

فرآیند جهش های ژنی و تکامل

تکامل تدریجی موجودات کره زمین از ماهی ها، دوزیستان، خزندگان تا پستانداران و انسان براساس انتخاب طبیعی (*Natural selection*) و امکان بقاء رده های

www.takbook.com

اصلح که با شرایط محیطی و تغییرات کره زمین سازگار بوده اند، صورت گرفته است.

تکامل از طریق انتخاب طبیعی و بقای اصلح یک فرآیند دو مرحله ای است:

اول- مرحله نخست تنوّع ژنی در اثر جهش (*mutation*)

هرچند ساختار ژنتیک موجودات نسبتاً ثابت و پایدار است، جهش را می توان به نوعی خطایی در رونویسی از مولکول های *DNA* که عامل توارث است، به حساب آورد. این جهش ها گاهی اتفاقی است و گاهی در اثر تأثیرات عوامل محیطی می باشد، ولی اغلب این جهش های نادر و اتفاقی بدون توجه به سازگاری آن موجود با محیط صورت می گیرد، و جهش هایی که موجب تغییر بنیادی در ویژگی های فیزیکی یک موجود زنده گردند، کمتر سازگار بوده و به ندرت ممکن است به بقای پایدار آن موجود کمک کنند. لذا بنظر می رسد بیشتر تغییرات تکاملی بر اثر انباشتگی تدریجی جهش های کوچک صورت می‌گیرد که در فرآیندی طولانی مدت و تدریجی سبب تغییراتی در ارگانیسم و ویژگی‌های آن موجود شده و بقای آنرا تضمین می کند.

دوم – مرحلۀ دوم تکامل طبیعی نظم دادن به این تنوع به وسیله انتخاب

بدین معنا که همیشه جهش های ژنی متناسب با نیازهای جاری آن جاندار و یا وضعیت محیطی وی نیست و ارتباطی با آن ندارد و اینجاست که انتخاب طبیعی پیروزمندانه وارد عمل شده و تغییرات سودمند اخذ و بقای جاندار در شرایطی مناسب تر تداوم می گردد در حالیکه تغییرات ناسودمند به حذف آن جاندار ختم می گردد.

www.takbook.com

بر این اساس هر زمان که جهش ژنی جدید و مناسب صورت گیرد. این صفات ارثی به رده های بعدی جاندار منتقل گردیده و نوع جدید با ساختار ژنتیکی تازه خود تکثیر می‌گرددو دارای ویژگی هایی می گردد که نسبت به رده قبلی متکامل تر است .

www.takbook.com

مراحل تکامل مغز

فرآیند تکامل در تداوم حیات و ظهور گونه های جدیدتر میلیون ها سال طول کشیده تا به انسان و مغز او به عنوان تکامل یافته ترین گونه هستی ختم شده است.

در بررسی تشریحی (*Anatomic*) مغز انسان به خوبی نشانه های مراحل تکاملی موجودات از خزندگان و پستانداران تا انسان قابل رهگیری و شناخت می باشد و تاریخچه تکامل انواع را به روی ما می گشاید.

امروزه می دانیم تکامل مغز انسان شامل سه مرحله اصلی بوده است:

1. مغز خزندگان *Reptilian Brain*

ابتدایی ترین و قدیمی ترین بخش مغز انسان است که در مرکز آن قرار گرفته و در طول تکامل تغییر زیادی نیافته است و با تمام مهره داران اشتراک ساختمانی دارد.

وظیفه این بخش از مغز مرتبط با فعالیت هایی است که برای حفظ بقا مثل تنظیم تنفس، ضربان قلب و کنترل درجه حرارت بدن لازم است.

www.takbook.com

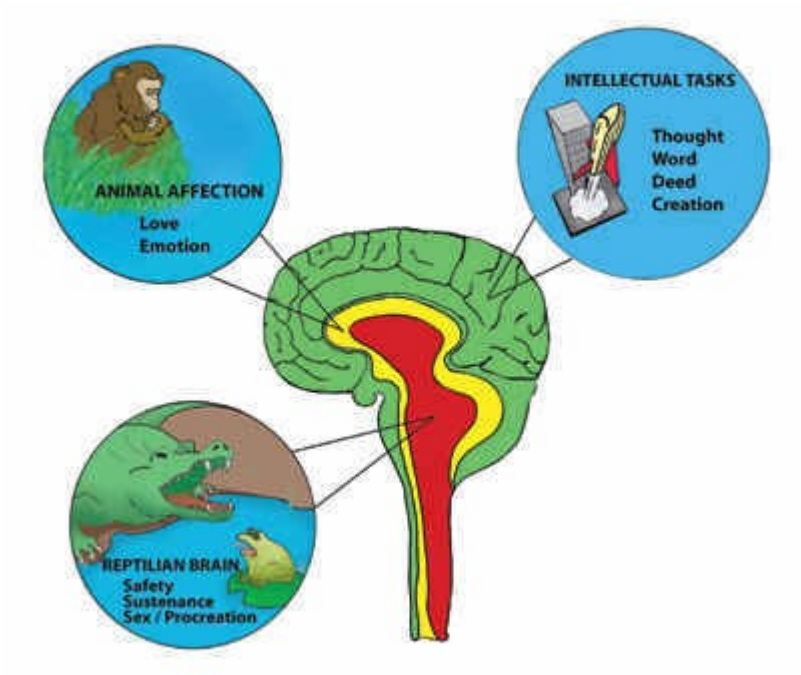

2. مغز پستانداران (*Mammalian Brain*)

این بخش از مغز که در پستانداران ظاهر و در مراحل تکامل رشده یافته است. دارای تشکیلاتی است که فعالیت هایی مانند گوارش، غدد داخلی، تعادل مایعات بدن، تنظیم ثابت درجه حرارت و فشار خون را بوسیله سیستم نباتی (*Autonomic system*) و هیپوتالاموس کنترل می کند.

همچنین مغز پستانداران دارای تشکیلاتی مانند هیپوکامپ و هسته بادامی (*Amygdaloid nuclear*) می باشند که توانایی حفظ و نگهداری وقایع و تجارب جدید در این بخش که مربوط به حافظه است، وجود دارد.

این تشکیلات جانور را قادر می سازد که در موارد خطر با بهره گیری از این حافظه خود را حفظ کند و از طریق ارتباطات گسترده ای که از طریق میلیون ها راه عصبی که با بخش مرکزی مغز دارد سبب آگاهی بیشتر موجود از خود و محیط اطرافش شده و در واکنش هایی مانند خشم، خطر و جنگ یا گریز (*Fight or flight*) که برای بقای جانور نقش ویژه ای دارند، دخالت می کند.

www.takbook.com

3. مغز انسان (*Human Brain*)

در سومین مرحله تکامل مغز ؛ قشر خاکستری نیمکره های مغزی (*Neo Cortex*) به حداکثر رشد و تکامل رسید و به صورت دو نیمکره مغزی مجزا ولی مرتبط به هم که با سایر بخش های مغز ارتباطات گسترده ای دارند و به تنهایی 85% حجم مغز را شامل می شود، انسان را در جایگاه هوشمندترین موجود هستی، قرار داد.

هر نیمکره مغزی در انسان ضمن هماهنگی با نیمکره دیگر و سایر بخش های سیستم عصبی مرکزی، به بالاترین مراحل تکاملی در رده موجودات کره زمین رسیده و هر بخش از آن ها ویژگی های بسیار پیچیده و تخصّص یافته ای دارند که در فصول بعد به تفضیل مورد بررسی خواهند گرفت و در حقیقت زیر بنای همه رشته هایی که دانش بشری اطلاق می گردد مرهون تکامل این بخش از مغز انسان است.

به این ترتیب اگر عمیقاً به مغز بنگریم چنانچه قشر خاکستری (*contex*) نیمکره های مغزی را که 50 میلیون سال پیش به وجود آمده و در انسان به حداکثر رشد رسیده است، بر داریم با مغزی به اندازه گربه روبه رو می شویم، حال اگر بقیه مغز پیشین را که از نظر تکاملی میلیون ها سال زودتر به وجود آمده، حذف کنیم، آنچه باقی ماند مغزی است به اندازه مغز یک مارمولک و این یافته ها مهر تأییدی است که چگونه طی میلیاردها سال اشکال ساده حیات، در روند تکامل به انواع پیچیده و کامل تر ختم شده است و در فرایند تکامل انواع انسان در جایگاه اشرف مخلوقات قرار گرفت.

www.takbook.com

شجره نامه انسان

پیدایش نشانه های حیات در کره زمین را مربوط به حدود 3 میلیارد سال قبل می‌دانندو اگر کل زمان حیات را 24 ساعت فرض کنیم ظهور انسان در چند ثانیه آخر بوده است.

میمون ماداگاسگار:

در 50 میلیون سال پیش موجود کوچکی به نام میمون ماداگاسگار یا لمور (*lemor*) بر می گردیم که علاوه بر میوه درختان از حشرات نیز سد جوع می کرد و تعداد دندان‌های آن از 32 عدد که امروزه در اکثر پستانداران عالی وجود دارد، بیشتر بوده است و فسیل آن در رسوبات گچی حومر پاریس پیدا شده است و این لمور فسیل شده تعدادی از خصوصیات اصلی میمون ها را داراست. از جمله اینکه پنجه و چنگال نداشته، بلکه دارای ناخن است و انگشت شست آن قادر است تا اندازه ای بر روی دست خم شود و این موجود قدیمی ترین پستاندار در رده های بالاتر تکاملی محسوب می شود.

اجداد اولیه:

یافته های بعدی فسیل هایی را نشان می دهد که شاهد تغییرات تکاملی در رده میمون ها بوده است تا نهایتاً اولین نشانه های مربوط به انسان به 5 میلیون سال قبل به فسیل میمون جنوبی استرالوپیتکوس *Australupithecus* می رسد که موجودی گیاهخوار بوده و از زیر رده های آن به میمون جنوبی آفریقا *Australupithecus Africanum* می رسیم که مربوط به 2 میلیون سال قبل بوده و دارای فک کوچکتر و گوشتخوار بوده است و دارای

www.takbook.com

توانایی ساختن ابزارهای نوک تیز از قطعات سنگی بوده است.

یافته های دیرین شناسی نشان داده اند که اغلب آن ها قبل از بیست سالگی می‌مردند و چون همانند همه میمون ها نوزادان آنها دارای طفولیّت طولانی بوده اند در نتیجه تعداد افراد نابالغ که پدر و مادر خود را از دست می دادند در بین آنها زیاد بوده و نگهداری از کودکان بر عهده گروه و قبیله بوده و این امر " قدم بزرگی را در راه تکامل نشان می دهد".

انسان ایستاده (*Homoerectus*)

می توان گفت 2 میلیون سال قبل ، ما هنوز انسان نشده بودیم، در حالیکه در یک میلیون سال قبل با پدیدار شدن موجودی به نام انسان ایستاده (*Homoerectus*) نخستین نشانه های نژاد انسانی شکل گرفت، هر چند اطلاعات زیادی از این دوران در دست نیست.

انسان نئاندرتال

در 200 هزار سال پیش، پس از دومین عصر یخبندان کره زمین، فسیل انسان نئاندرتال (*Neanderthal*) که در آلمان پیدا شد که دارای مغزی حدود 1200 گرم بوده که به مغز انسان امروزی نزدیک است.

عصر یخبندان

فرهنگ های انسانی که امروز بهتر شناخته شده اند به عصر یخبندان سوم یعنی 100تا 50 هزار سال اخیر مربوط می شود و در این دوران بود که انسان

www.takbook.com

نئاندرتال در صعود از پلکان تکامل نقش مهمی را ایفا کرد.

عصر یخبندان سوم انسان نئاندرتال را مجبور کرد که از گیاهان روی برگردانند و به شکار حیوانات بپردازد و ساختن ابزارهایی از سنگ چخماق که احتمالاً برای صاف کردن و ساختن ابزار دیگر به کار می برد و ساختن نیزه و اشیایی که برای شکال به کار رفته و زوبین های ماهیگیری که از خارهای بزرگی پوشانده شده است، مربوط به این دوران یا به عبارتی عصر حجر است.

راه حل دیگر آن بود که انسان به دنبال گله مهاجرت کند و هرگز آن ها را از نظر دور ندارد و در این نوع زندگی به تدریج عادت های گله های مهاجر را فراگرفته و قادر به پیش بینی رفتارهای آن باشد.

این روش دارای کیفیت هایی بود که به گله بانی و چوپانی که در عهدهای بعدی جزء فرهنگ انسانی درآمد، نزدیک می باشد. زیرا بر خلاف اصل انتخاب طبیعی و بقای اصلح داروین، فرهنگ انسانی یکنوع رفتار فرا گفتنی است که از نظر اجتماعی نسبت به رفتارهای دیگر ارجحیت دارد.

در هر حال دنبال کردن گله دارای کیفیت هایی بود که با گله بانی و چوپانی که در عهدهای بعدی جزء فرهنگ انسانی درآمد، نزدیک می باشد و هنوز هم بقایای این نوع زندگی در شمالی ترین نقطه اسکاندیناوی در قبال لامپ (*Lump*) دیده می شود که گوزن های قطبی را شبیه آنچه اجدادشان در دوران عصر یخبندان عمل می کردند، تعقیب می کنند.

انسان دانا (*Homo sapiens*)

www.takbook.com

فسیل رده هایی از انسان نئاندرتال که در آفریقا، اروپا و شرق آسیا می زیست و بنام انسان دانا (*Homo sapiens*) اطلاق شده است، بدست آمده است و تنها زمانیکه انسان دانا نشانه های خود را در 30 هزار سال پیش به صورت نقش هایی بر دیوارهای غارهای مسکونی اش نظیر آلتامیرا (*Altamira*) و چند جای دیگر در اسپانیا و جنوب فرانسه بر جای گذاشت می توان به علائمی از آنچه در ذهن انسان شکارچی می گذشته است، پی برد و این اولین نشانه های تلاش انسانی برای انتقال تجارب خود به نسل های بعدی است و این نقاشی ها روی غارها گویای این پیام ابدی اند:

«این نشانه من است، من انسان هستم»

تکامل زیستی و فرهنگی نژاد انسان

بطور کلی می توان تاریخ تکامل بشری را به دو مرحله تقسیم کرد:

- مرحله اول – سیر تکامل زیستی از *Australapethicus* استرالوپیتکوس آفریقای مرکزی تا ظهور انسان دانا (*Homo erectus*) که 2 میلیون سال به طول انجامید.

- مرحله دوم – تکامل فرهنگ انسانی که بعد از گذار از دوران های غارنشینی و شکار به اهلی کردن حیوانات و زراعت و شهرنشینی می انجامد که تنها 10 هزار سال از آن می گذرد.

www.takbook.com

تاقبل از تکامل فرهنگی، انسان در تمام نقاطی که پراکنده شده بود ، به شکل موجودی چرنده و شکارچی بود، ولی در حدود ده هزار سال قبل با اهلی کردن بعضی حیوانات و کشت چند نوع گیاه از کوچ نشینی دست کشید و به زراعت پرداخت که در حقیقت باید آنرا انقلاب کشاورزی یا به عبارتی «انقلاب زیستی» نامید وعظیم ترین جهش در عروج انسان صورت گرفت.

در روند این انقلاب زیستی، شهرنشینی و مدنیت آغاز گشت و ابداع و اختراعات کوچک و ظریف مثل ظروف سنگی و سفالی، دم آهنگری،شمشیر ، طناب، گره، افسار، کفش، ... همان نقشی را ایفا کردند که امروزه با بزرگترین دستگاه های فیزیکی اتمی، علوم فضائی و رایانه های عظیم قابل قیاس است .

پیدایش این اختراعات و کشفیات جدید عامل رشد فرهنگ و ایده های جدیدی شد که در آن هر ابزار نوئی قدرت ابزار و وسایل دیگر را گسترش داد و به عبارتی هر اختراع جدید، گامی برای رهایی و رام کردن قدرت طبیعت را برای انسان مهیا کرد و تدریجاً پایه های مدنیّت و فرهنگ انسانی شکل گرفت و در قیاسی استعاره ای اگر کل زمان آفرینش 24 ساعت در نظر بگیریم، انسان و همه تمدن و فرهنگ انسانی در چند ثانیه آخر حادث شده است و دیدگاه هایی که آفرینش همه هستی و موجودات را برای خدمت به انسان می انگارند در برابر عمر کائنات و کره زمین و چند میلیارد سالی که از پیدایش حیات می گذرد. تعابیری بسیار ساده انگارانه اند.

آمده اول ز اقلیم جماد

وز جمادی در نباتی اوفتاد

www.takbook.com

سالها اندر جمادی عمر کرد
وز جمادی یاد ناورد از نبرد
وز نباتی چون به حیوان اوفتاد
نامدش حال نباتی هیچ یاد
باز از حیوان سوی انسانیش
می کشد آن خالقی که دانیش
همچنین اقلیم تا اقلیم رفت
تا شداکنون عاقل و دانا و زفت
(مولوی)

دکتر ذبیح مدرسی

www.takbook.com

- **بخش دوّم**

مغز و ذهن

7. عملکرد نیمکره های مغزی
8. مغز و یادگیری
9. حواس پنجگانه
10. تفاوت مغز انسان و حیوان
11. خواب و تعبیر رؤیا
12. غریزه و انسان
13. جهان در مغز
14. تفاوت شخصیتی دوقلوها
15. اخلاق و جامعه

www.takbook.com

مغز و ذهن

عملکرد نیمکره های مغزی

مغز ما بطور متوسط 1500 گرم وزن دارد، به عبارتی وقتی نوزادی به دنیا می‌آید، مغز حدود یک پنجم وزن او را شامل می شود و مغز انسان رشد یافته ترین مغز در بین موجودات جهان است.

بطورکلی نمیکره چپ مسئول کنترل حرکات و حس های مختلف بدن در سمت راست بدن است، در حالیکه نمیکره راست کنترل نیمه چپ را به عهده دارد. با اینحال اعمال دو نیمکره کاملاً مشابه نبوده و هر کدام بطور شگفت انگیزی برای اعمال و ادراکات ویژه ای تخصص یافته اند و بطور مکملّ و هماهنگ نقش خود را ایفا می کند.

بطور مثال 80 درصد افراد راست دست (*Right handed*) هستند که در اکثریت آنان مراکز مربوط به درک و فهم کلام و مراکز حرکتی صحبت کردن در نیمکره چپ آنان واقع شده است در حالیکه نیمکره راست بطور بارزتر توانایی درک کلمات نوشته شده را داراست و در نحوه ابراز احساس و هیجانی کلام تأثیر می گذارد، همچنین تشخیص اشکال هندسی و فضایی، موزیک و درک عالی مفاهیم هنری توسط نیمکره راست مغز صورت می گیرد.

از طرفی بررسی منطقی و ارتباط سیستماتیک مسائل و رویدادها و تجزیه و تحلیل آن ها در نیمکره چپ صورت می گیرد، در حالیکه نیمکره راست با توانایی ویژه ای در درک فضایی اشیاء و تصاویر و محتوای احساسی جملات شنیداری نقش ویژه ای در ابراز احساسات و حالات هیجانی انسان ایفا می کند.

www.takbook.com

در یک جمعبندی کلی می توان نیمکره چپ را مرکز تفکر و محاسبات منطقی و نیمکره راست را مرکز تجسم خلاق و لذت (*pleasure*) قلمداد کرد.

مغز و یادگیری

انسان نیز مانند همه موجودات محصور در اثرات ژنتیکی و وراثتی می باشد که مسبب برخی رفتار های غریزی در انسان می گردد. اما توانایی یادگیری این امکان را می‌دهد که از حصار محدود موروثی پا را فراتر نهد و بر توانایی های ذهنی خود بیافزاید، به عبارتی مغز بر مبنای ژن های وراثتی ساخته شده است، امّا از گهواره تا گور با رویدادهای مختلف تغییر می کند و استعداد ژنتیکی فقط امکانات بالقوه ما را مهیا می کند ولی محتوای واقعی فعالیت هایمان امری آموختنی و تغییرپذیر است به این معنای که اکثر حیوانات بعد از تولد و رشد دارای اعمال غریزی هستند که آن ها را یاد نگرفته اند بلکه بطور غریزی در مغزش وجود داشته است و بهمین دلیل است که در طول هزاران سال اعمال او هیچگونه تغییر محسوسی نمی کند.

در حالیکه در انسان یادگیری و آموزش و تجارب زندگی نقشی فعال در عملکرد مغز دارند و می توان با بهره مندی از آن ها بر توانمندی های مغز بوسیله افزایش ارتباطات بین یاخته های آن افزود و بر عکس اگر شرایط محیطی برای آموزش و یادگیری مهیا نباشد توانایی های بالقوه مغز شکوفا نخواهد شد به عنوان مثال اگر کودکی از طفولیت تا سیزده سالگی تکلّم نیاموزد، فرا گرفتن این عمل برایش غیر ممکن خواهد شد و اگر کودکی با مقداری اسباب بازی و اشیاء دیگر بازی نکرده باشد، هرگز قادر به ساختن اشیاء پیچیده تر نخواهد بود.

www.takbook.com

حواس پنجگانه

تنها راه ارتباط انسان با جهان بیرون از خود از طریق حواس پنجگانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لمس) می باشد که محل درک و تجزیه و تحلیل آن هادر مغز قرار دارد، که به رغم همهٔ پیچیدگی هایشان، این حواس در مقایسه با برخی حیوانات ضعف های بارزی نیز دارند و جهان را متفاوت از آن ها ادراک می کنند، به عنوان مثال قدرت بینایی در عقاب، توانایی جهت یابی در پرندگان، قدرت تشخیص انعکاس صدا در خفاش‌ها نمونه های از این تفاوت است.

در چنین شرایطی اعمال ما نتیجه اطلاع رسانی مداوم توسط حواس پنج گانه، محفوظات قبلی که توسط والدین و تجربیات کودکی، مدرسه و جامعه و دانش و آموزش‌هایی که گرفته ایم، می باشد، براین اساس نحوهٔ تعلیم و تربیت و دانش ما از عرف و سنن درست یا نادرست ؛ نقشی اساسی در عمل کرد و نگرش ما دارند و تمام مفاهیم و معیارها در محور وجود مادّی انسان و در مغز او شکل می گیرد.

www.takbook.com

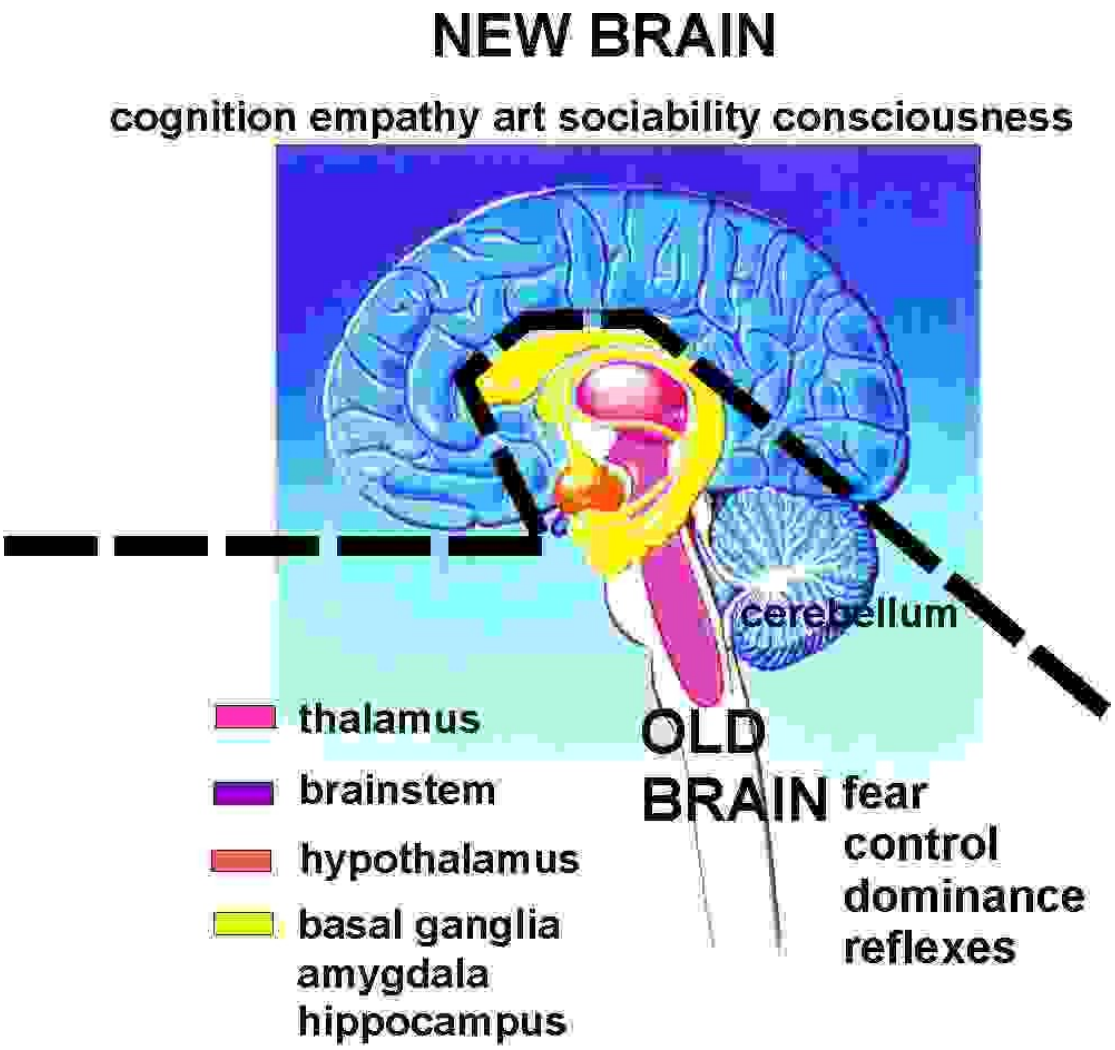

www.takbook.com

تفاوت مغز انسان و حیوان

یادگیری مداوم و نظم و ترتیب دادن به تجربیات گذشته یکی از ویژگی های انسانی است که دوراندیشی و آینده نگری او را سبب می شود.

برای کنترل اعمال و عضلات انسان تنها بخش محدودی از مغز انسان به کار گرفته می شود و بخش مهمی از مغز که در قطعه پیشانی (*frontal lobe*) و ما قبل پیشانی (*prefrontal*) قرار دارند با سایر مراکز مهم ادراکات حسی و حرکتی مغز مرتبط هستند که فرآیند شخصیت و ادراکات عالی ما در آنجا شکل می گیرد که ما را قادر می سازد آینده نگر باشیم و با توجه به پاداشی که در آینده خواهیم گرفت، اعمال کنونی خود را تنظیم کنیم؛ این همان فرآیندی است که دانشجو را به تحصیل علم، دانشمند را به تحقیق و کشاورز را به کشت محصول راغب می کند.

در حالی که در حیوانات هیچ کیفیت ابتدایی دیگری که قابل قیاس با چنین نقشی باشد وجود ندارد، مگر در حیواناتی که در مدارج بالای پلکان تکامل قرار دارند (مانند میمون ها) و آسیب های قطعی پیشانی مغز سبب از بین رفتن خود انگیختگی و بی تفاوتی عاطفی نسبت به خود و دیگران می شود.

این فرآیند منحصر به فرد یعنی توانایی طرح نقشه هایی که باعث پاداش در آینده دور می گردد و جامعه شناسان بنام تأخیر لذت (*postponement Grafication*) نامیده اند، ویژگی بارزی است که رفتار ما را از واکنش های غریزی جدا می سازد و منشاء آینده نگری در انسان است.

اگر بخواهیم اجباراً مغز خود را با کامپیوتر مقایسه کنیم، با آن تفاوت آشکاری داریم چرا که

www.takbook.com

کامپیوتر برای حل هر مساله ای همواره یک راه حل دقیق و مشخص دارد، در حالیکه در زندگی واقعی انسانی هرگز مسائل دارای راه حل دقیق و منحصر به فردی نیستند و براساس ضریب هوشی، دانش و تجارب هر شخص، راه حل های گوناگون وجود دارد.

در حقیقت ما یک ماشین یادگیری هستیم که از گهواره تا گور اینکار را بوسیله مناطق مشخصی از مغز خود انجام می دهیم و در فرآیند آموزش و کسب تجربه های جدید که به افزایش ارتباطات بین سلول های مغزی (*Synapse*) می انجامد، بر توانایی مغز خود می‌افزاییم و متناسب با دانش و تجارب خود دست به انتخاب می زنیم و جهان بینی حود را شکل می دهیم .

www.takbook.com

خواب و تعبیر رویا

در بازنگری تاریخچه بشری می بینیم خواب دیدن و رویاهای شبانه نقشی بارز در باور انسان ها بر بقای روح مردگان و جدایی جسم از جان ایفا کرده است، هر چند علم زیست شناسی و علوم اعصاب مشخص کرده اند خواب دیدن منحصر به انسان نبوده و در همهٔ پستاندارانی که در رده های بالاتر پلکان تکامل قرار دارند خواب دیدن و رؤیا وجود دارد و بخشی از فرآیند افزایش مهارت های زیستی آنان است.

در مغز انسان یک ساعت بیولوژیک (*Biological clock*) وجود دارد که با واسطه هورمن ملاتونین تنظیم مراحل خواب و بیداری را عهده دار است بطوریکه یک خواب طبیعی را می توان به دو مرحله کلی تقسیم کرد که در یک خواب شبانه چندین بار بطورتناوب تکرار می شود.

1. در مرحله اول خواب به تدریج عضلات بدن شل شده و ضربان قلب و تنفس کند می گردند و امواج مغزی ریتم های کندتری که مؤید استراحت سلول های مغز است، بخود می گیرد که به نام خواب با اموج کند (*slow waves sleep*) اطلاق می شود.
2. در مرحله دوم که بنام *REM* (*Rapid Eye Movement*) خوانده می شود عضلات بدن حالت فلج گرفته ولی حرکات سریعی در کره چشم ها ایجاد شده و ضربان قلب و تنفس نوساناتی مثل حالات بیداری و هیجان دارند، این مرحله از خواب که عمدتاً در نیمه دوم شب صورت می گیرد حدود 20% از کل خواب را شامل می شود و نکته مهم آنستکه همه آنچه به عنوان خواب دیدن و رؤیا می بینیم در این مرحله از خواب صورت می گیرد.

www.takbook.com

نکته جالب آنستکه اگر شخص را در این مرحله از خواب بیدار کنیم به سرعت وضعیت هشیاری و انطباقی را که در بیداری دارد به دست می آورد و از طرفی اکثر رویاها و خواب هایی که به خاطر می آوریم آنهایی است که در اوائل صبح و قبل از بیدار شدن در خواب دیده ایم.

مطالعات علوم اعصاب نشان داده اند که محتوای خواب افراد معمولاً با تجارب قبلی، خاطرات، عقاید، فرهنگ، زبان، علایق، دلبستگی ها و باور های فرد ارتباط تنگاتنگی دارند، به عنوان مثال در افراد کور هیچ خاطره و صحنه ای یا چهره مشخصی در محتوای رؤیایشان وجود ندارد در حالیکه اصوات، حس تماس و تجارب احساسی آنان در رؤیای آنان نمود می یابند.

محتوای رویاها

یک بررسی جامع و کارشناسانه نشان داده است که محتوای رویاها با افکار و وقایعی که در آخرین روز اتفاق افتاده و رویدادها و تجاربی که از یک هفته قبل تر از خواب دیدن پیش آمده مرتبط است و نکته کلیدی در آنستکه رویدادهای یک هفته اخیر نقشی در آن ندارند و این امر مؤید آنستکه مراحل ضبط و طبقه بندی خاطرات و تجارت مهم به یک هفته زمان نیاز دارند تا به عنوان بخشی از حافظه ماندگار در مغز ضبط شوند.

لذا خواب و رویا هیچ ارتباطی با عوامل فوق طبیعی و منشاء غیبی نداشته و ناشی از عملکرد مغز می باشند که با بکار انداختن شبکه های مختلف حافظه و خاطرات و با بکارگیری دلبستگی ها و باورها و ضمیر

www.takbook.com

ناخودآگاه هر فرد،بخش های وسیعی از مغز را در مرحله خواب *REM* فعال می سازد و لذا هیچ نقشی در پیش گویی رویدادهای آینده ندارد و تجزیه و تحلیل خواب ها توسط روانپزشکان خبره تنها می تواند کلیدی برای شناخت چالش های فکری وضمایر ناخودآگاه فرد باشد.

بر این اساس رؤیاهای انسان های اولیه از مردگان و اجدادشان که منشاء باورپذیری انسان برای حیات و بقای ارواح رفتگان و اثر گذاری این ارواح بر حیات زندگان بوده است کاملاً منشأیی انسانی داشته و خواب و رؤیا تنها یکی از صدها فرآیند مغز می باشد که درون جسم مادّی ما به وقوع می پیوندد.

www.takbook.com

غریزه و انسان

انسان نیز همانند سایر حیوانات در بدو تولّد دارای هیچگونه غریزه اختصاصی به معنای الگوهای پیچیدهٔ رفتاری نبوده و مجموعه ای از انعکاس های ساده به علاوه تعدادی نیازهای زیستی و غرایز اولیه ویژگی های ذاتی فرد را تشکیل می دهد و وجه تمایز وی با سایر موجودات استعداد شگرف مغز انسان برای یادگیری و کسب تجربه است و مطالعات عمیق در حوزه روانشناسی رفتارگرا و علوم اعصاب نشان داده است « تجاربی که همراه با کسب پاداش و یا احساسات خوش آیند باشد نقش مهمی در یادگیری دارند» .

مطالعات دانشمندانی مانند جیم اولد (*Jim old*) و همکارانش نشان داد در بخشی از مغز در قائدهٔ پیشین آن (*Limbic lobe*) سیستمی که کالبدشناسی وجود دارد که تحریک آن موجب ایجاد احساس لذت مشابه آنچه در خوردن، آشامیدن و جفت گیری می شود، می گردد و مطالعات عصب شناسی مسیرهای تشریحی لذت و تشویق را در مغز نشان داده اند.

از طرفی احساس رضایت و اقناع روانی در جوامع انسانی امری اکتسابی و آموختنی است که بر حسب الگوهای رایج آن جامعه که پیروی از آن ها موجب «تشویق » و مقابله با آنها مستوجب «تنبیه» می گردد، از جامعه ای تا جامعه دیگر متفاوت می باشد زیرا توانایی مغز برای تغییر و تحلیل منطقی و رویدادها بر تجربیات آن استوار است و برداشت های متفاوت ما از جهان و رویدادهای پیرامونمان عامل تفاوت فردی بین انسان هاست.

www.takbook.com

جهان در مغز

من (و به تعبیر فروید *ego*) درون ما ناشی از عملکرد ذهنی است که خود مرهون مغزی ساخته و پرداخته ژن های وراثتی و محیط اطراف ماست و حس (انتخاب) هم مانند بسیاری از کارهایی که مغز انجام می دهد الگوی ذهنی است که در فرآیند (من) با محیط و عوامل تأثیرگذار آن شکل می گیرد و به ما این توانایی را می دهد که از بین گزینه های زندگی مناسب ترین را انتخاب کنیم.

از طرفی نابرابری و تفاوت استعدادها در انسان ها نه تنها ذاتی و مادرزادی است بلکه با تاثیر عوامل محیطی و اجتماعی مانند پیچیدگی تمدن ها و توسعه فرهنگی واقتصادی در جوامع افزایش می یابدو پیچیده تر شدن وظایف ومشاغل تخصصی ،این تفاوت ها آشکارتر شده و سبب می شود که افراد درنظر گروه و جامعه خود دارای ارزش متفاوت گردند و تقریبا در همه جوامع استعداد های برتر در اقلیتی از انسان ها جمع گشته که تمرکز قدرت و ثروت نیز در میان این اقلیت حاصل طبیعی این تفاوت استعداد هاست.

این بدان معناست که هیچ دو انسانی از جهان پیرامون خود برداشتی کاملاً مشابه و یکنواخت ندارند و تفسیر آنان بر اساس الگوهای ذهنی مغز آنان متفاوت بوده و هر انسان به عنوان موجودی یگانه (*unique*) و منحصر به فرد و متمایز از دریچه ذهن خود به جهان می نگرد و به عبارت دیگر به اندازه نفوس انسانی جهان های متفاوت و نگرش های متفاوت وجود دارد.

تفاوت شخصیتی دوقلوها

در مطالعاتی که روی دوقلوهای با جنسیت مشابه یک تخمکی (*Monozygot*) که ازنظر خواص ژنتیکی کاملاً مشابه یکدیگرند شده است ، نشان داده شده اگر آنان در یک محیط یکسان رشد یابند و دقیقاً بطور همسان آموزش ببینند و حتی یکسان لباس بپوشند گرچه احساسات و رفتاری مشابه دارند اما همین دوقلوها یک جنس از نظر

www.takbook.com

شخصیتی متفاوت بوده و معمولاً یکی از آنها غالب (*dominant*)در حالیکه دیگری بیشتر عاطفی (*emotional*) و تأثیرپذیرتر خواهد بود که مؤید آنستکه حتی در دو قلو ها با همه شباهت ها هیچکدام شخصیتی مشابه و تفسیری یکسان از جهان ندارند.

اخلاق و جامعه

آنچه انسان را از حیوان مجزا می کند توانایی شگرف او برای آموختن و کسب تجربه است و در حقیقت (من) آدمی برآیندی از عوامل ارثی و محیطی است.

زمانی که کودکی پا به جهان می گذارد، هیچگونه دانش ازلی در ذهن ندارد و عوامل ارثی نیازهای زیستی و فیزیولوژیک و نهاد مادر زادیش (*temperament*) را برای برنامه ریزی های آینده پایه ریزی کرده و کودک از طریق حواس پنجگانه در تعاملی پیوسته با جهان خارج شروع به آموختن می کند و عوامل محیطی (جامعه، فرهنگ، تاریخ و سنت ها) با تأثیراتی که در یادگیری او از طریق والدین، دوستان، مدرسه و رسانه های گروهی دارند پایه های جهان بینی و ذهن او را شکل می دهند.

نظریات زیست شناسی تاریخ موید آنست که نابرابری ذاتی انسان ها سبب شده در هر برهه تاریخی که با تغییر شرایط اقتصادی ،فرهنگی و پیدایش شرایط جدید که ساختار های قبلی جامعه پاسخگوی نیاز های جدید نباشد«فرد خلاق» ،«مرد بزگ» ،یا «رهبر» برای گذار از این مرحله و جهش که نیاز به تجربه و نو آوری های ساختار شکن می باشد به عنوان قدرت سازنده جای خود را در تاریخ پیدا می کندکه خود محصول و مظهر رویداد های تازه و در عین حال نماینده و زبان شرایط نوین است و با بالا گرفتن بحران ها نیاز به او افزایش می

www.takbook.com

یابد و او و همپیمانانش را به قدرت و عظمت می رساند. اما او معلول صرف نبوده وهمان گونه که در پیرامون او حوادثی زخ می دهد ،با دخالت و نظرات او نیز حوادث سیر جدیدی گرفته و تصمیمات و تفکرات وی تاثیر زیادی بر مسیر تاریخ دارد به عبارتی این شخصیت ها معلول علل بی شمارند که خود عامل معلول های بسیار بعدی بوده اند،در حالیکه در ایام عادی این رهبران بی بهره و بالقوه باقی می ماندند و چه بسا اگر ناپلئون در عصر دیگری ظاهر شده بود بیش از یک گروهبان ساده ارتش فرانسه باقی نمی ماند.

از سوی دیگر مطالعات جامعه شناسی نشان داده است در جوامع بشری تمایل به کسب قدرت و مقام در افرادی با شخصیت های محاسبه گر و اقتدارگر *(Dominant)*در مقایسه با افراد عاطفی بیشتر است و در چنین جوامعی این افراد با سوء استفاده از دیگران زمینه را برای کسب ثروت و موقعیت اجتماعی بالاتر فراهم می کنند و با بهره گیری از وسایل تبلیغی، تدوین قوانین و ایجاد گروه های فشار، می کوشند معیار های اخلاقی متناسب با منش و اغراض خود را گسترش دهند و به آن ظاهری قانونی و شرعی دهند تا برای مردم عادی باورپذیر گردیده و به عرف جامعه تبدیل شود.

زمانی امانوئل کانت فیلسوف شهیر آلمانی در برابر این سؤال که چرا بخش بزرگی از بشریت تحت سرپرستی دیگران باقی می مانند، گفت: «جواب ساده است، چرا که وقتی پذیرفتی که خودت فکر نکنی ... و کتابی داشته باشی که به جای تو درک کند و کشیشی که به جای تو وجدان داشته باشد و پزشکی که برنامه غذایی تو را تعیین کند و ... از این قبیل، دیگر نیازی به فکر کردن

www.takbook.com

و تعقل نداری و برای دیگران آسان است که خود را قیّم تو قرار دهند و معیارهای خود را به کرسی بنشانند.»

آسمان بار امانت نتوانست کشید!
قرعه فال به نام من دیوانه زدند
« حافظ »

بررسی تحلیلی تاریخ بشری مؤید آن است که حتی معیار های ادیان آسمانی متناسب با تفسیر مؤمنین دستخوش تغییر و تحول بوده اند، به عنوان مثال مارتین لوتر، کشیش آلمانی علیه سوء استفاده کلیسای کاتولیک در 1519 دست به اعتراض زد که به «اصلاح گری پروتستان» شهرت یافت که طی قرن شانزدهم و هفدهم میلادی منشاء جنگ های خونینی در اروپا گردید و کاتولیک ها و پروتستان ها به نام خدا به جنگ با یکدیگر پرداختند و این سؤال برای مسیحیان از هر دو سوء مطرح شد که براستی تفسیر کدامیک از رهبران روحانیشان از کتاب مقدس درست است؟ و چالش هایی از این دست هنوز هم در ادیان زنده جهان امروز مطرح است و روشنگری دینی یا بر عکس بنیادگرایی مذهبی نمونه های بارز آن است و به قول حافظ:

جنگ هفتادودو ملت همه راعذر بنه
چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند

- **بخش سوم**

اریکهٔ خدایان

16. ترس و مرگ (مادر خدایان)

www.takbook.com

17. جسم و جان

18. انسان و خدایان

19. کاهنین و مبلغین دینی

www.takbook.com

اریکهٔ خدایان

ترس و مرگ (مادر خدایان)

در دنیای قدیم مردم از علل بروز بسیاری از حوادث طبیعی بی خبر بودند، ناچار در عالم خیال برای هر واقعه و رویدادی علت و دلیل می تراشیدند و برای تسکین دردها و تسلّی خاطر خود دست به دامن قوای مرموز و ماوراء الطبیعه (*super natural*) زده و به امید بقای روح، به انواع جادو و پرستش، مظاهر طبیعت و اشیاء و خدایان متوصل می‌شدند.

در حقیقت مرگ مسأله ای مربوط به همه موجودات زنده است وانسان هم در زندگی، بیماری، جوانی، بلوغ، سالخوردگی و مرگ با حیوانات سهیم است ولی از میان همه جانوران، تنها انسان می داند که خواهد مرد و تنها اوست که باید پایان محتوم خویش را انتظار کشد.

از همین رو مرگ همیشه برای انسان که به دنبال جاودانگی است یک مسأله مهّم بوده است و بقول لوکرتیوس – حکیم رومی – که ترس نخستین مادر خدایان است، از میان اقسام ترس ها، خوف از مرگ مقام مهمتری دارد و بقول اریک فروم این آگاهی از مرگ متضمن نوعی جدایی و بیگانگی انسان از سایر عناصر طبیعت گردیده و برای گریز از تنهایی به جادو و خدایان متوصل شده است.

در جوامع ابتدایی، جادو در همه مظاهر زندگی به خصوص مظاهر پیچیده ای که به دشواری شناخته و مطیع اراده انسانی می شوند، راه دارند.

مثلاً انسان در همان حال که عملاً می کارد و آبیاری و درو می کند به مراسم جادویی که برای بارآوری بهترکشت لازم است، تن در می دهد و بر این باور است

www.takbook.com

که چیزی یا نیرویی در همه چیزهای طبیعت جریان دارد و با جادو این نیروها را به کمک می گیرد.

جسم و جان:

رفته رفته انسان ساده اندیش ابتدایی برای تبیین مظاهر گوناگون طبیعت اعتقاد می یابد هر چیزی دارای جان یا همزادی مستقل است و به تدریج می پذیرد جان چیزی جدا و مستقل از جسم و اشیاء بوده و دارای ماهیتی متفاوت است.

پذیرش این باور که قوام و بقای جسم او نیز وابسته روح یعنی عاملی غیر جسمانی است و مرگ وقتی حادث می شود که روح از جسم جدا گردد و به اصل خود واصل شود. سرآغاز تکوین ادیان ابتدایی و قائل شدن به بقای روح است.

این باورها سبب جدایی و تجرید وحدت انسان از طبیعت گردید و هستی به دو بخش جسمانی (زمینی) و روحانی (آسمانی) تقسیم شد و دین به شکل شبکه ای از اعتقادات پیچیده و گوناگون در زندگی انسان نمود یافت که انسان برای یاری جستن و راحت بخشی زندگی و جاودانگی روحش باید دست به دامن این نیروهای فوق طبیعی و فرازمینی دراز کند.

انسان و خدایان

از زمانی که انسان به این باور رسید که نیرو یا چیزی در همه اشیاء و مظاهر طبیعت وجود دارد، تعداد اشیاء پرستیدنی زیادی می شود و این خدایان بی شمار را می توان به طور خلاصه در شش دسته قرار داد:

www.takbook.com

1. **پرستش اشیاء**

2. پرستش اشیاء را بطور کلی توتم پرستی (*Totemism*) می نامند که در قبایل بدوی، توتم معمولاً حیوان، گیاه و یا شیئی خاص بوده که رنگ مذهبی و دینی داشته و برای متّحد ساختن افراد قبیله با یکدیگر عاملی مؤثر بوده است و اهمیتی نمادین برای قبیله و گروه داشته و ایمان به آن متضمن اعمال و تشریفاتی بوده است که در این تشریفات جمعی، حس همبستگی گروهی تأیید و تقویت می شده است و مردمان نخستین می کوشیده اند احساس تنهایی خود در برابر قوای نیرومند طبیعت را با همانند سازی خود با قبیله در شکل آیین های مذهبی جبران نمایند.
در همین رابطه می توان گفت هر حیوانی از سوسک مصری گرفته تا فیل و گاو هندی ... در گوشه ای از زمین به عنوان خدا پرستش می شده است.

3. **آلات تناسلی(*Phallicism*)**

انسان اولیه که از نحوه تشکیل جنین در اثر تخمک گذاری زن و نطفه مرد آگاهی نداشته و تنها چیزی که می دیده، آلت تناسلی مرد و زن بوده که مشترکاً در عمل تولید مثل دخالت دارند به ناچار می پنداشته در جوف آنها ارواحی وجود دارد که با تولید مثل، بقای قبیله و جامعه را میسّر ساخته و مایه حاصلخیزی زمین هستند، از همین روست که در تمام ملت های کهن همچون مصر، هند، بابل، یونان، رم و آشور هر یک به شکلی آلات تناسلی را می پرستیده اند.

4. **اجرام آسمانی**

www.takbook.com

پرستش ماه، خورشید، ستارگان که سبب حاصلخیزی زمین و روشنایی در شب های تیره بوده اند به عنوان مظاهر خدایانی آسمانی که صاحب قدرت و نیروهای فوق العاده اند در بیشتر اقوام و ملل ابتدایی مطرح و مورد پرستش بوده اند.

5. **خدایان زمینی**

6. ناتوانی انسان ها در تبیین علل رعد و برق، طوفان و سیل، زلزله، آتش فشان وحیوانات درنده ... و غیره باعث شد برای این مظاهر طبیعت نیروهایی الهی در نظر گیرند و با پرستش این نیروها خود را از خشم آنان مصون دارند و برای آنان آیین های مذهبی برگزار نمایند.

7. **خدایان انسانی (*Mythes*)**

از آنجا که بنیاد آیین هایی چون توتم پرستی برترس نهاده شده بود با پیشرفت مدنیت و شهرنشینی که انسان موفق به اهلی کردن حیوانات و کشاورزی گردید، حیوان پرستی رفته رفته کمتر شد و خدایان رنگ و قالب انسانی به خود گرفتند و نمونه های بارز آن در اساطیر یونانی و رومی بخوبی مشخص است و گاه این فره ایزدی را در غالب پرستش شاهان و فراعنه به عنوان نمایندگان خدا جستجو می‌کرده اند.

8. **خدایان آسمانی**

در بسیاری از زبان های اولیه کلمه ای که معادل خدا به کار می رفته به معنی «مرد مرده» یا روح و شبح بوده است و هم امروز هم کلماتی مانند *spirit* در زبان انگلیسی و *Geist* در زبان آلمانی هم به عنوان روح و هم به معنای شبح استعمال می شوند .

www.takbook.com

انسان اولیه از اینکه در خواب، اشباحی به نظرش می رسید، مخصوصاً وقتی اشباح کسانی بود که به یقین می دانسته از دنیا رفته و مرده اند، سخت در اندیشه و شگفتی فرو می رفت و دچار ترس و وحشت می شد و اعتقاد به حیات دیگری برای مردگان به اندازه ای شدید بوده است که همه مردم از مردگان می ترسیدند و می کوشیدند وسایل خشنودی آنان را فراهم سازند.

به تدریج روح پرستی به شکل پرستش نیاکان مورد توجه قرار گرفت و معتقد شدند این ارواح بر امور زندگان نظارت داشته و بقای آنان را تضمین می کنند و حتی امروز هم پرستش نیاکان و اولیای مرده به صورت توجه به قبور مردگان و انجام دعا و نیایش برای آنان تداوم دارد و از میان رفتگان، مردان و زنان مشخص که امتیازات خاص دارند مورد تقدیس قرار می گیرند. اعتقاد به خدا به عنوان پدر نیز از پرستش آباء و اجداد سرچشمه گرفته است و هنوز هم در ذهنیت بسیاری از دینداران خدا نمادی پدرگونه دارد که بر رفتار بندگان خود می نگرد و برای اعمال بد عقوبت قائل شده و از اعمال خوب احساس رضایت کرده و آغوش رحمت خود را می گشاید، پدری که با اقتدار در اریکه خود در آسمان نشسته است و لشکری از ملائک و مقربین در پیشگاهش آمادهٔ فرمانبری و اجرای منویات او هستند.

در جهان امروز هم هنوز نشانه های سحر و خرافات در اشکال مختلفی مثل اعتقاد به فال قهوه، پیشگویی از روی ماه تولّد، کف بینی، فال ورق، آویزان کردن اشیاء برای چشم زخم و ... خود را نشان می دهد و بقول ویل دورانت: « در زیر شالودهٔ هر تمدنی، خواه

www.takbook.com

قدیم، خواه جدید، دریایی از سحر و خرافه پرستی و جادو جریان داشته و هنوز هم جریان دارد»

خدایان یونان قدیم

www.takbook.com

کاهنین و مبلغین دینی

شاید این تعبیر مبالغه آمیز نباشد که در هر مرحله از تکوین و تکامل ادیان کسانی بوده اند که تحت عنوان ساحر، کاهن و عالم دینی با ادعای آگاهی از آداب و وظایف دینی به وسیله فکر و دعاهایی مجرب و مراسم مذهبی می کوشیدند خود را نماینده خدایان جلوه گر کنند و گاه برای حفظ موفقیت و مقام خود در صددکشف گیاهان دارویی ورصد حرکات ستارگان و نیروهای مختلف بوده اند که از دل آن علوم پزشکی، شیمی، کیمیاگری و علم نجوم به وجود آمده است.

این کاهنان نیز مانند ساحران با ادعای نزدیکی به خدایان و گاه با کمک گرفتن از علوم کشف شده که آنرا از مردم پنهان می داشته اند به تدریج جایگاه مهمی نزد مردم پیدا کردند و در طول تاریخ تکامل مدنیت شاهدیم که گاه قدرت رجال دینی با قدرت حاکمان و دستگاه دولت پهلو می زده است.

باید اذعان نمود که سازنده ادیان اولیه و عقاید دینی فطرت انسان هایی بوده است که از ترس نیروهای ناشناخته و اضطراب آور و احساس عجز در برابر طبیعت او را بر می انگیخته تا به جایی تکیه کند و پیدایش عقاید دینی اختراع یا ناشی از حیله گری خدمتگزاران معابد و کاهنان نبوده است و همان گونه که مرد سیاسی از تمایلات فطری و عادات بشری برای تحکیم موفقیت خود استفاده می کرده است، کاهن نیز برای تأمین معاش و بهبود موفقیت خویش از دین برای مقاصد خود استفاده می کرده است.

امّا در بسیاری از برهه های تاریخی همین کاهنان بوده اند که مبادی تعلیم و تربیت را به مردم تلقین کرده و گاه بنای سست اخلاقی را با ستونی از عالمی ما فوق سر پا گذاشته اند و عاملی برای ارتقاء میراِث فرهنگی بشر بوده اند. هر چند گاه این طبقه روحانی برای بقا و دوام خود در کنار حاکمین و جباران تاریخ

www.takbook.com

به نقض حقوق مردم و تحریف علوم و اصول آزادی اقدام کرده اند.

www.takbook.com

•

دین و چالش های جهان امروز

1. نظریه فرانسیس بیکن
2. دین و سرشت آدمی
3. اصول بنیادین ادیان
4. دین و جهان امروز

www.takbook.com

دین و چالش های جهان امروز

نظریه بیکن – سیاستمدار و متفکر انگلیسی (1621-1561)

فرانسیس بیگن گفته است: (اندکی فلسفه ممکن است انسان را بی دین کند.)

امّا مطالعه مستمر و بی مانع فلسفه منجربه درک بهتری از جهان و رابطه دین و فلسفه می شود. زیرا فیلسوف اگر چه نمی تواند جزئیات کتب های آسمانی را

در مبانی ظاهریشان بپذیرد. امّا در می یابد که این تعلیمات مورد نیاز است تا مردمی که در نتیجه مشکلات زندگی فقط به طور گهگاه و سطحی و مخاطره آمیز به جهان هستی می نگرند، از دستورات اخلاقی پیروی کرده و تقوا را پیشه کنند ..... و فیلسوف متعهد بر خلاف دین سخن نمی گوید و مباحثات خود را به متعلمان و اندیشمندان محصور کرده و افکار خود را در میان عامه تبلیغ نمی کند.

دین و سرشت آدمی

در ارتباط با فطرت انسان و نیاز به دین بطور عام ، می توان اذعان داشت که ما بر خلاف موجودات دیگر، از توانایی ها و ناتوانی های خود آگاهیم و می دانیم که سرانجام می میریم و می دانیم تا چه حد از حیوانات دیگر متفاوتیم و این نا هماهنگی هستی انسانی به عنوان موجودی متفکر و اندیشمند موجد نیازهایی است که به مراتب والاتر و عالی از غرایز و نیازهای حیوانی اوست و سر سپردگی به یک هدف یا فکر یا نیروی برتر از انسان جلوه ای از کمال گرایی انسان در فراگرد هستی اوست.

مطالعات تاریخی نشان داده اند جامعه انسانی به فراخور تکامل بیولژیک و زیستی خود پیوسته در جستجوی معنا ی زندگی بوده است ، به دیگر سخن موجودات بشری

www.takbook.com

،جانوران روحانی هستند و انسان هوشمند ، انسان دینی نیز هست. در واقع یکی از ویژگی های ذهن بشری آنستکه مفاهیمی را به تصور آورد که فراتر از جهان مادی است

از طرفی آگاهی انسان از مرگ محتوم خود انگیزه ای مهم برای پیروی از آیین هایی بوده است که وعده می دهند مرگ در حکم پایان کار نیست و این گفته آیین های الهی که پرسش خداوند فطری و درسرشت آدمی است، انعکاسی از آرمان نامیرایی بشر و بر این باور بناست که خدا باوری ضامن زندگی ابدی برای انسان است .

همچنین باید اذعان کرد از آنجا که نابرابری استعداد ها و تفاوت ذاتی انسان ها عاملی است که بسیاری ازافراد بشری را از رسیدن به آرمان های خود باز می دارد،دین به عنوان تنها پناهگاه فوق طبیعی و قابل دسترس به محرومان،رنجدیدگان،بیماران وسالمندان آرامش و تسلی بخشیده و از نظر روانشناسی دارای جایگاه پر اهمیتی در مقابله با ناامیدی و سرخوردگی آنان می باشد.

در همه ادوار تاریخی، دین چه در اشکال اولیه و بدوی آن و چه در شکل امروزین خود نقشی تقویت کننده در بهم پیوستگی اجتماعی و همبستگی گروهی پیروان آن داشته است و به رغم آنکه دیدگاه های عقل گرا بر بسیاری از جنبه های زندگی ما چیره شده است ولی در برابر سئوالاتی مانند معنا و هدف زندگی – موضوعاتی مانند آن از که همیشه اساس دین بوده است – ساکت می می مانند. از طرفی نظریات انسان گرایانه و نگرش

فیلسوفان مادی تعالی و اهداف عالی انسان را در جهانی بدون خدا ترسیم کرده اند.

در دیدگاه ماتریالیستی همه چیز از ماده و حرکات آن منشاء می گیرد و ماده ،منبع و فرجامین همه چیز در جهان هستی می باشد ،از منظومه های کهکشانی تا فرایند غرایز و ذهن و صمیمانه ترین و گستاخانه ترین احساسات آدمیان اندیشه ورز از ماده و به عبارتی (مادر طبیعت) ناشی می شوند . بنابر این ماده موجد روح بوده و روح هرگز جدا از ماده وجود ندارد

www.takbook.com

و در واقع روح محصول عالی ترین فراین د تکامل ماده وسازمان یافتگی جانوری و پیچیده ترین شکل فعالیت انسانی است.

این بدین معناست که طبیعت مستقل از روح وجود دارد و هیچ روحی نمی تواند جدا از ماده وجود داشته باشد و این جهان مادی میلیارد ها سال پیش از آنکه بشریت یا هر موجود زنده دیگری پا به عالم وجود بگذارد ،وجود داسته اشت و وجود هرگونه خدایان ،الوهیت ،ارواح یا جوهر های غیر مادی دیگر را که بر کنش های طبیعت ،جامعه و تکامل موجودات و انسان ها موثر بوده باشد نفی می نماید.

بر اساس ماتریالیسم دیالکتیک جهان پیوسته در حال دگرگونی و تغییر بوده و هیچ چیز بطور مطلق و پایدار وجود وجود ندارد و در جهان هستی و در مسائل جوامع بشری ، بر خورد و تضاد نیرو های نو (آنتی تز) بر پدیده های کهن (تز) سرچشمه پویش و بالندگی و تکوین شرایط نوین (سنتز) و بیروزی گریز ناپذیر پدیدار های نو بر کهنه است .

این جهان زین جنگ قائم می بود

در عناصر در نگر ،تا حل شو د

پس نیای خلق بر اضداد بود

لاجرم جنگی شدند در ضر و سود

(مولوی)

با اینحال این دیدگاه ها عمدتا محدود به خواص و محافل روشنفکری بوده و دربین توده مردمی مهجور مانده اند و همین عوامل زمینه را برای بقاء و دوره های احیای دینی مهیا کرده اند.

در یک جمع بندی کلی و فشرده ادیان زنده و پر طرفدار جهان را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

www.takbook.com

1. ادیان الهی

شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام که خواستگاه کلیه این ادیان در خاورمیانه بوده و ادیان جدید تر ملهم از ادیان قدیمی تر بوده و در سیر تاریخی خود هریک بر دیگری تأثیر متقابل گذاشته اند.

2. ادیان اخلاقی

شامل آیین کنفوسیوس (Confucianism)، آیین تائو(Taoism)، آیین بودایی (Buddhism)، با کمی تساهل آیین هندو (که به خدایان متعدداعتقاد دارند)

آنچه مشخص است با ظهور فلاسفه بزرگ و نهضت های روشنگری به خصوص در دوران معاصر معیار های فکری ،اخلاقی و فرهنگی بسیاری از جوامع ارتقا یافته است و پیشرفت اخلاقیات مثل "لغو بردگی" ،"حقوق زنان" ،"حقوق کودکان و مبارزه با کودک آزاری" عمدتا مرهون حرکت های بشردوستانه به رهبری فلاسفه و مصلحان اجتماعی بوده و مذاهب رسمی نقش ناچیزی در تکوین آنها داشته اند.

مراحل تاریخی تکوین ادیان

ادیان و باور های دینی بر اساس اصول و آیین های مذهبی خود منادی اخلاق و پیوند های معنوی در میان پیروان خود بوده اند اما با نگاهی اجمالی به گذار اقتصادی و فرهنگی نوع بشر از مراحل "شکار،زراعت ،انقلاب صنعتی و عصر اطلاعات " می بینیم بسیاری از قوانین اخلاقی و باور های دینی از مرحله ای به مرحله دیگر دگرگون شده است :

1.در عصر شکار :شجاعت ،ستیزه گری،قدرت جنسی در مردان وتوانایی باروری در زنان برای موالید بیشتر و نگهداری از کودکان معیار های اساسی و مهم برای تنازع بقاء ودوام گروه محسوب می شدند و از آنجا که مردان با خطرات بیشتری رودر رو بوده اندکه گاه به مرگ زودرس آنان می انجامیده است ، تعدد و حتی اشتراک زوجات امری پسندیده و طبیعی محسوب می گردیدو اوراد جادوگران و ومناسک مذهبی نیز پاسدار این اصول بوده اتد.

2.در عصر کشاورزی :سختکوشی از شجاعت ،نظم و صرفه جویی از خشونت و صلح طلبی برای خفظ کشت و

www.takbook.com

اطفال بیشتر زرع از جنگ حیاتی تر شد و از آنجا که ممر عایدی اقتصادی برای کار در مزرعه بودند،دلبستکی خانوادگی و تنظیم خانواده اخلاق شمرده شده و پاکدامنی زنان جوان امری گریز ناپذیر گردید ،چرا که از دست دادن آن یا فرزند بی پدر آوردن معادل بدنامی وبی پناهی و طرد از جامعه بود.

بر همین اساس اخلاقیات جامعه کشاورزی ،خویشتن داری و ازدواج زود هنگام و فرزند بسیار آوردن و اجتناب از طلاق را به عنوان فضایلی اخلاقی و ارزشمند پاسداری می کردو نهاد های مذهبی پر شکوه ترین عصر خود را در چنین دورانی تجربه کرده و نقشی بارز در تدوین قوانین و حتی ارکان حکومتی ومشروعیت حکام داشته اند.

3.در دوران انقلاب صنعتی :با بزرک تر شدن شهرها وتغییر ساختار اقتصادی جامعه،خانواده پدر سالار دوران کشاورزی اقتدارخود را از دست داد و با مهاجرت افراد به شهر ها،هرکس در کارخانه ای که بر پا شده بود می توانست بطور فردی کار کند و دستمزد بگیرد و یا در بخشی از ساختار دیوان سالاری وسیع جامعه شهری مشغول به کار شود.

در چنین سیستمی کودکان دیگر منبع در آمد مالی نبودندوبا کشترش شهر هاو اتکای هر فرد بر خودش و بدون حمایت مستمر خانواده،رسیدن به بلوغ اقتصادی که فرد توانایی اداره یک خانواده را داشته باشد دیر رس و به نوعی در تشکیل ازدواج موانع بیشتر شد.

از طرفی زنان به عنوان بخشی از نیروی کار از قید و بند های جامعه کشاورزی رهایی یافتند و مرسوم شدن روش های جلوگیری از بارداری توانایشان ساخت که مقاربت را از بارداری جدا کنند،از طرفی مردان جوان با نبودن نظارت خانواده و روستا ،در پوشش غریبگی در شهر هامی توانستند گناه خود را پنهان سازند. بدین سان با تغییر ساختار های اقتصادی و

www.takbook.com

مکانیکی شدن تولید در جوامع صنعتی ، اخلاقیات دوران کشاورزی بیش از بیش جنبه های روحانی خود را از دست داد و با تغییرات ثانویه در فرهنگ و باور های مردمی از قدرت نهاد های مذهبی روز به روز کاسته شد.

4.عصر اطلاعات :در دوران معاصر با آگاهی فزاینده انسان از جهان هستی و شناخت بیشتر از قوانین حاکم بر جهان هستی و گسترش غیر قابل مهار اطلاعات دین و نهاد های مذهبی به عنوان ساختار هایی "پیش مدرن "به تدریج جایگاه سنتی خود را به نهاد های متناسب با پارادایم مدرنیته واگذار کرده اند.

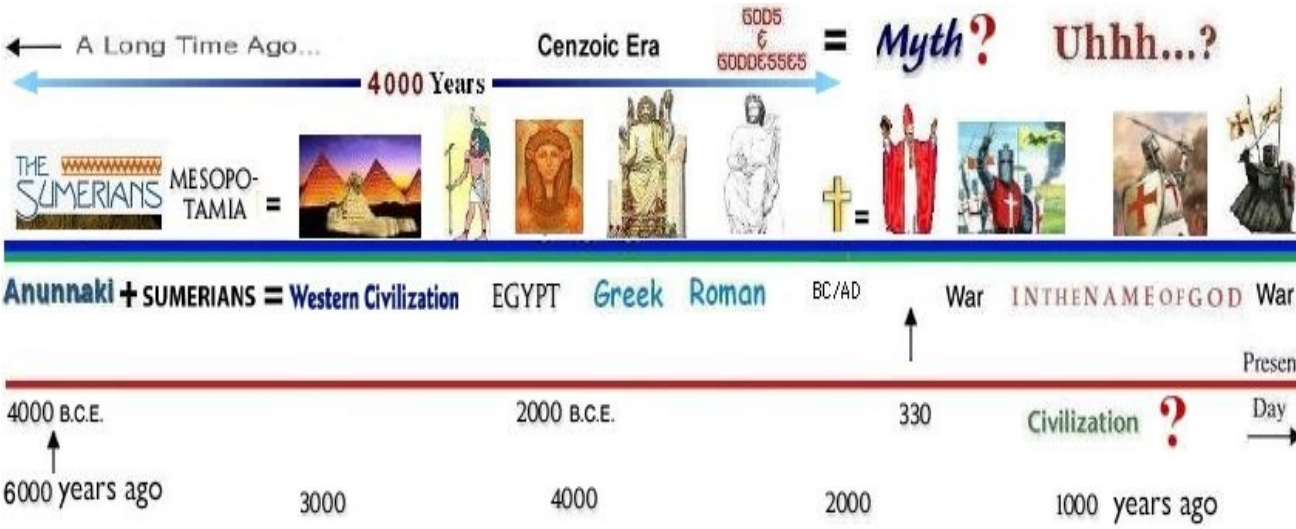

www.takbook.com

اصول بنیادین ادیان

همه ادیان آسمانی اولیه تا امروزین به رغم اختلافات عقیدتی و آیین و مناسک آنها – بر سه اصل اساسی قابل تبیین اند.

1. مفاهیمی در باره ی آفرینش جهان و طبیعت و انسان به وسیله نیروهای ما فوق طبیعت و چند و چونی این نیروها
2. احکامی در باره روابط و ظایف متقابل انسان و نیروهای مافوق
3. مناسک و شعایری موافق آن مفاهیم و احکام که سبب هماهنگی و ارتباط پیروان آن ادیان می گردد.

از دیدگاه روانشناسی تسلیم و تمکین در برابر یک مرجع نیرومند و متعالی یکی از راههایی است که انسان از احساسی تنهایی و ضعف و محدویت هایی که بر او روا می شود فرار می کند و ضمن تسلیم ، گرچه استقلال و تمامیت خود را به عنوان یک فرد از دست می دهد و تابع قوانینی الزامی می شود، امّا احساس حمایت شدن بوسیله یک نیروی پر هیبت و توانا و امید به پاداشی ابدی از رنج و محنت او می کاهد و در برابر مصایب خود را تنها حس نمی کند.

در ادیان پدر سالار خدا مظهر قدرت و جبروت و اذعان به یک قدرت نامرئی و برتر است که بر سرنوشت انسان تسلط داشته و فرامینش بی چون و چرا و واجب الطاعت است و عنصر اصلی این ادیان تسلیم کامل در برابر یک قدرت ما فوق بشر است. امّا تراژدی ادیان بزرگ در آنستکه در ادوار مختلف تاریخی با قدرت گرفتن کاهنان، کشیشان و متولیان دین، یک بوروکراسی مذهبی بر آن ها حاکم شده و خود به نقص و تحریف اصول آزادی همت، گمارده اند اینجا دیگر خدا نیست که مورد

www.takbook.com

پرسش است بلکه گروهی هستند که مدعی اند به نام خدا سخن می گویید و دین صورتی، دینویی به خود گرفته و " پیشوا " یا" پدر محبوب" ملت بر اریکه خدا می نشیند.

دین در جهان امروز

ارائه نظریات علمی جدید و اثبات آنها مثل عدم مرکزیت زمین که توسط گالیله اظهار شد و نظریه تکامل و بنیاد انواع داروین و کشفیات انسان در قلمرو فضا و شناخت کهکشان ها و تغییرات زمین شناسی کره زمین و پیشرفت در علوم عصب شناسی و ماهیت فعالیتهای مغز و جایگاه ذهن و خواب و رویا و صدها کشفیات دیگر عواملی هستند که بسیاری از باورهای دینی در زمنیه های خلقت جهان، آفرینش انسان (آدم و حوا) و جدایی روح از جسم را به چالش کشیده اند و نگاهی بی طرفانه در طول تاریخ مدون انسانی تاییدی است که عواملی مثل زمین لرزه ، طوفان ،گردباد ، آتشفشان ها، سونامی ناشی از امواج خروشان دریا، بیماری های مسری مثل طاعون و آنفلونزا و ایدز بصورت ادواری حیات انسان و حیوان را به نابودی کشانده اند و اگر جنگ ها وجنایت ها و نسل کشی ها را برآن بیفزاییم ،آنگاه همه شواهد حاکی از سرنوشتی کور و یا بی طرف خواهد بودکه با بروز آنها مومن و غیرمومن ،پیر و جوان،فقیر وغنی همه گرفتار مصایب آن می شوند و عالم هستی نه تعصبی به دینداران دارد و نه به زیان ظالمینی چون چنگیز و استالین و هیتلر...دخالت مستقیمی می کند ،در دوران معاصر فهم و درک مسایلی از این دست باعث شده تا گرایش های مذهبی بخصوص در جوامع متمدن تر دستخوش تغییر و تحول عظیمی گردد و پایبندی به شعائر و احکام دینی به خصوص در اقشار تحصیل کرده سیری نزولی یافته است در حالیکه هنوز در جوامع کم تر توسعه یافته و اقشار کم در آمد و کم سواد هنوز دین جایگاه مهمی در زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد.

با همه این تفاسیر در ارزیابی تاریخی جوامع بشری تا عصر حاضر ، نمونه جالب و مهم از جامعه ای که توانسته باشد بدون کمک دین حیات اخلاقی خود را حفظ کرده باشد،وجود ندارد و بطوریکه می توان اذعان کردهنوز هم بنیان های اخلاقی درجوامع امروزی – مستقل از دین – در آن حد کافی نیستند که قادر باشند غرایز چپاول و

www.takbook.com

پرخاشگری،حرص وآز و شهوترانی انسان را مهار کنند و از سقوط تمدن به ورطه جنایت ، بی عفتی وخیانت ،دروغ و آز و خود محوری جلوگیری کنند.

در دوران معاصر گرچه با آگاهی فزاینده انسان از جایگاه حقیر خود در برابر جهان هستی و وسعت شگرف کائنات به کاهش دین باوری شتاب بخشیده و در جوامع توسعه یافته با افزایش قدرت قانون و نهاد های مدنی وحمایت های سازمان های تامین اجتماعی،دین جایگاه خود را به گروه های بدیل متناسب با پارادایم های مدرنیته سپرده است اما با بروز پدیده هایی چون جنگ و ویرانی شهر ها،رواج فقر ،بلایای طبیعی و یا شکنندگی قوانین مدنی و عدم پاسخگویی دانش و مدنیت به نیاز های اخلاقی انسان ها،می توان دوران احیای دینی را انتظار داشت و به عبارتی هر زمانی که نهاد های مدنی توان پاسخگویی نیاز های مادی و معنوی توده ها را نداشته باشند و یا بار انتظام جامعه بر دوش اخلاق افتاده باشد ، دین همچون ققنوسی از خاکستر خود سر بر می آورد و گرایش به دین احیا می شود.

حتی در عصر صنعت و دنیای مدرن شاهدیم به رغم کاهش نفوذ نهاد های مذهبی و کلیسا در جوامع صنعتی،گرایش به مکاتبی عرفانی مث ل بودیسم ،یوگا ، تامل و مراقبه رو به گسترش نهاده است و پارادایم هایی چون تجربه های شهودی و ذهنی که با ممارست و مراقبه و تعلیم آمادگی های خاص حاصل می شوند ،به عنوان بدیل های تازه توانسته اند در زندگی انسان ایفای نقش کنند.و در حیات بشری هرگز تنها آلترناتیو دین ، بی دینی نبوده است .

فروید به درستی به این نتیجه رسیده بود که هر نوع سرکوب خشونت آمیز دین ،می تواند نتایج وخیم ومخرب داشته باشد.

در تاریخ بشری اغلب سرکوب دین به بنیاد گرایی مذهبی انجامیده است و بر عکس ، اشکال افراطی و نا مناسب توحید گرایی ، به رشد گرایش ها مادی و انکار خدا دامن زده است.

لذا باید اذغان کرد اگر غایت دین را برگزاری شعایر و پیروی تام از رهبران مذهبی فرض کنیم، باید گفت وصول به این اهداف در آینده با چالش های بزرگی روبه روست اما اگر "ایمان "را اذعان به عظمت و پیچیدگی هستی، احترام به حقوق دیگران و ایثار و فداکاری در راه اهداف انسانی و بهبود زندگی اجتماعی و

www.takbook.com

تلاش برای صلح وعدالت و حفظ محیط زیست به عنوان اهداف معنوی ادیان در نظر گیریم، می توان پذیرفت آینده دین درخشان و امیداوار و در نهادینه کردن نظم اخلاقی در جوامع بشری به حیات خود ادامه خواهد داد.

ذبیح مدرسی

موانع ساختاری جامعه مدنی

20. جامعه و مدرنیته
21. مدرنیته و احساس تنهایی
22. جهانی شدن و هویت زدایی
23. جوامع توده وار

www.takbook.com

24. لیبرالیسم و چالش های آن

25. رسانه های جمعی و تلقین پذیری انسان

26. آرمان گرایی و توتالیتر

27. همگن سازی توده ها در جامعهٔ بسته

28. جامعه مدنی

www.takbook.com

موانع ساختاری جامعه مدنی

اگر تمدن را نظمی اجتماعی در نظر گیریم که فرایند آن تعالی بخش اخلاقیات،آفرینش فرهنگی ،توسعه تولید و بهبود مادی و معنوی زندگی انسان باشد ،تاریخ به ما می آموزدتمدن حاصل همکاری و تعاونی است که تقریبا همه انسان هاو ملل در تولید آن سهیم بوده و میراث مشترک بشری است ،به عنوان مثال رم از تمدن یونانی و مصری بهره گرفت و آن را به اروپا منتقل کرد،مسلمین بعد از فتح ایران از گنجینه تمدن و فرهنگ ایرانی مدد گرفته و آن را تا دروازه های اروپا گشترش دادند و آمریکا از نهضت نو اندیشی در اروپا بهره گرفت و آنرا بارور تر ساخت .

با این حال تمدن امری راکد نبوده و می توان انتظار داشت در هر عصر و سرزمینی با مهیا شدن ساختار های مناسب به تکامل خود ادامه دهد و زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم سازد.

آیا هیچ ملتی وجود دارد که از دستاورد های تمدن بشری که به او نوید امنیت اجتماعی و فردی،آزادی دین و اندیشه،محاکم قضایی دارای هیئت منصفه،برابری زنان و مردان وقوانین حمایت از خانواده و اطفال و تشکیل نهاد های مردم سالار و حکومت دموکراتیک ومنتخب مردم را می دهد،رو گردان باشد ؟

نکته مهم و کلیدی آنستکه تمدن در هیچ جامعه ای صرفا امری موروثی نبوده و مهمترین دستاورد هر ملتی آنستکه مانع سیر قهقرایی این میراث ارزشمند بشری شده و برای حفظ و بالندگی و انتقال ان به نخبگان فرهنگی ،سیاسی و اقتصادی جامعه خود و نسل بعدی تلاش بی وقفه ای بکار برند و زمینه بارشد آن را از راه تعلیم و تربیت ، گردش آزاد اطلاعات و تبادلات فرهنگی و اقتصادی در تعاملی سازنده با دیگر ملت ها و تلاش های صلح دوستانه فراهم سازند.

جامعه و مدرنیته

انسان عموماً موجودی اجتماعی است که از زمان تولد تا دم مرگ وابسته به انسان‌های دیگر است. لذا نسبت به دیگران احساس تعلق کرده و می کوشد توجه و موافقت آنها را به سوی خود جلب کند و هر انسانی از طریق روابط یا مناسبات اجتماعی با دیگران هستی و حیات را تجربه کرده و دارای باورها و هویّت مشخصی می گردد.

لذا آنچه را که جامعه می نامیم برآیند ساختاری فعالیت و تعامل انسان هایی است که در پی اهداف و انگیزه های خود دست به عمل می زنند.

از طرف دیگر جامعه در اثر فرآیند توسعه و تحول در دوره های زمانی طولانی تغییر کرده و خود با محرک

www.takbook.com

"تغییر" سرتاسر حیات اجتماعی و مسایل مربوط به آدمیان را متحول کرده و معیارهای جدید در برابر سنت های پیشین قد علم می کنند.

بر این اساس ارزش ها و باورها در فرآیند تکامل تغییر کرده و گاه آنچه ممنوع و خدشه ناپذیر بوده است رنگ می بازد و با معیارهای دیگری جایگزین می شود.

مدرنیته و احساس تنهایی

انسان یگانه موجودی است که می داند تنهاست و یگانه موجودی است که در پی یافتن دیگری است. طبیعت او میل و عطش تحقق بخشیدن خویش در دیگری را در خود نهفته دارد. انسان تجلی درد غربت و بازجستن روزگار وصل است. ما همه نیروهایمان را به کار می گیریم تا از بند تنهایی رها شویم. از همین رو، احساس تنهایی ما اهمیت و معنایي دوگانه دارد: از سویی آگاهی برخویشتن است، و از سوی دیگر آرزوی گریز از خویشتن.

اکتاویو پاز (Octavio Paz)

در گذشته های دورتر و تا پیش از انقلاب صنعتی، پایبندی به سنت ها و قوام نهادهای خانوادگی , قومی و مذهبی و حضور دولت های اقتدارگرا به نوعی سبب تعامل گروهی و احساس امنیت در انسان ها بوده است و به نوعی این پیوند ها از احساس تنهایی وی می کاسته است.

در حالیکه با دوره رنسانس و نهضت های اصلاحی قرن 16 و بعد از آن و ظهور متفکرینی چون جان لاک، ولتر، ژان ژاک روسو وامانوئل کانت ...ودیگرمتفکرین، تلاش ها در جهت آزادی های فردی رو به گسترش نهاد و با گام نهادن جوامع پیشرفته به دنیای مدرن عواملی مثل انقلاب صنعتی، دین پیرایی و کاهش نفوذ نهادهای مذهبی و به رسمیت شناخته شدن آزادی های فردی، چالشی عظیم در پیش روی انسان قرار گرفت چرا که این آزادی به

www.takbook.com

قیمت از دست دادن پیوندهایی بوده که فرد در سایه حمایت آن ها احساس امنیت و تعلق خاطر کرده است و نتیجه آن احساس جدایی انسان از ارتباطات نزدیک و مشترک (*communical life*) و احساس تنهایی بوده است.

www.takbook.com

جهانی شدن و هویت زدایی

در عصر حاضر با گسترش شبکه های ارتباطی و تعامل فرهنگ ها از طریق اینترنت و ماهواره و تبادلات اقتصادی که در قالب دهکده جهانی گسترش یافته است، جوامع در حال توسعه در تقابل بین سنت و مدرنیته، بی آنکه مراحل گام به گام توسعه را پیموده باشند، گاه درگیر عوارض روانشناختی جوامع مدرن بصورت تضعیف بنیاد های خانوادگی، فرهنگی و عقیدتی خود شده و افراد جامعه بخصوص "نسل جوان "خود را موجودی اساساً مستقل و مجزا از سنت ها می بینند چنان که گویی جهان درون او را دیواری نامرئی از جامعه خودی و جهان بیرون مجزا کرده است و این بیگانگی عاملی برای بروز احساسات ناخوشایند از قبیل اضطراب، افسردگی و خصومت و ناامیدی می گردد و فرد آشکارا سعی می کند از احساس تنهایی و بیگانگی خود با درگیر شدن در فعالیت های لذت بخش و مدهوش کننده مثل مصرف مواد مخدر، الکل، تماشای تلویزیون و فیلم های سینمایی و اعتیاد به بازی های رایانه ای و اینترنتی، بکاهد بی آنکه به دنبال بنانهادن و آغاز کردن روابط گرم و صمیمانه باشد و دچار نوعی از" خودبیگانگی " میگرددو اگر شرایط اجتماعی به گونه ای نباشد که پاسخگوی نیاز ها مادی و معنوی آنان در جامعه باشد زمینه برای انواع ناهنجاری های رفتاری مهیا میشود.

چنین انسان هایی در برابر ناخوشی های همه گیر روانی (*Psychic Epidemic*)مثل مد گرایی افراطی،مقابله با هنجار های اجتماعی،لمپنیسم وپیروی از گروههای معترض که بارزترین شکل آن در واکنش ها و جنبش های کور سیاسی تجلی می یابند، بسیار آسیب پذیرند و بصورت واحد تفکیک ناپذیر از کنش های جمعی درآمده که با

www.takbook.com

محو هویت فردی و گروهی تک تک افراد به پیدایش "انسان توده ای " و گله وار ختم می شود که برآیند آن گاهی اغتشاشات گروهی و خیابانی و یا ظهور جنبش هایی است که اگر بر مبنای آگاهی و شناحت نباشد ، از دل آن ها گاه نظام هایی توتالیز با ظاهری نو ظهور می کنند.

لیبرالیسم و چالش های آن

در نگاهی به آراء و نظرات اندیشمندان و فیلسوفان تاریخ بشری از زردشت، سقراط و افلاطون،اسپینوزا ، کانت و نیچه گرفته تا بودا و کنفوسیوس و پیامبران متعدد در بطن این اندیشه‌ها نیت های خیرخواهانه برای بهروزی و سعادت انسان نهفته است اما برآیند تاریخ بشری از صدها جنگ و آدمکشی و تجاوز و غارت سخن می گوید و جنگ های خونبار صلیبی با مسلمانان که تحت عنوان گسترش مذهب واقعی و عدالت دویست سال به طول انجامید نمونه هایی است که نشان می دهد به چه میزان اعمال بشری از نیات واقعی بنیانگزاران آنها فاصله داشته است.

همانگونه که قبلا اشاره شدنابرابری استعداد هاامری ذاتی و سرشتی است اما حق هر انسانی است که برای رسیدن به اهداف و آرمان های متعالی خوداز راه هایی که به استعداد و لیاقت وی امکان پرورش و آزمایش می دهد گام بر دارد.

در مطالعه تاریخ مدون انسانی ،آنقدر تنوع و گوناگونی وجود دارد که برای هر ادعا و نتیجه دلخواه از آن در رابطه با نظام های سیاسی و حکومتی چه به شکل مذهبی(تئوکراسی)ویا حکومت اشراف (اریستوکراسی)و حکومت صاحبین مکنت و اصناف (اولیگارشی)و سوسیالیستستی و ..... نمونه هایی وجود دارد، به

www.takbook.com

عنوان نمونه دیرپازترین نظام سوسیالیستی شناخته شده به دست اینکا ها(*Inca*)در قرن سیزدهم میلادی در سر زمینی که امروز "پرو " خوانده می شود بر پا گشت و تا سال 1533 میلادی که به دست پیزارو(*Pizzaro*)سردار اسپانیایی به نابودی کشیده شد ،تداوم داشته است.

از قرن 16 میلادی که آزادی های فردی و به رسمیت شناختن فرد در جامعه (لیبرالیسم) مورد توجه قرار گرفت. مسئولیتی عظیم بر روش انسان نهاد، چرا که حامی این پیام بود که انسان نه تنها مسئول خود که مسئول همگان و جامعه بشری است و انسان آزاد است ضمن حفظ فردیت و آزادی خود، وارد تعامل با دیگران در فضایی متکثر و آزاد شود و به تعبیر ژان پل سارتر: «هیچ چیز برای ما خوب نمی تواند بود، مگر آنکه برای همگان خوب باشد .....» و در حقیقت باید همیشه پرسید اگر همگان چنین کنند، چه پیش خواهد آمد؟

پرسش هایی عظیم و از این دست چالشی بزرگ برای انسان بوده است. امّا حقیقت آنستکه جامعه را فقط فرهیختگان و اندیشمندان تشکیل نداده اند و بسیاری از انسان ها به تعبیر اریک فروم با گریز از این آزادی از بار مسئولیت خود برای آفرینش جهانی با معیارهای بشری و اضطراب ناشی از وانهادن انسان بر اساس فکر و گزینش معیار های خودش گریزانند و با پذیرش نظام های اقتدارگرا، که به جای آنان می اندیشد و تصمیم می گیردو در ازایش امنیت و نیاز مادی او را تامین می کند، از زیر بار این مسؤلیت شانه خالی می کنند.

گرایش به ایجاد جوامع توده وار و دموکراسی توده ای را باید نخست در تصوّرات عقل گرایان افراطی و سلسله جنبان فکری انقلاب فرانسه پیدا کرد که با

www.takbook.com

تأکید بیش از حد برابری شهروندان با فرآیند همسان سازی و "انکار فردیت "انسان ها زمینه را برای نظام های توتالیتر فراهم ساختند و از تجارب این جنبش های توده وار، نظام های دیکتاتوری چون فاشیسم و نازیسم و نظام های کمونیستی سابق با شعار برابری و نظام بی طبقه با هدف همسان سازی انسان ها سر بر آوردندو هستی انسان به عنوان موجودی مستقل در برابر کلیتی همگن در جوامع بسته به فراموشی سپرده شد.

تجارب تاریخی نظام های توتالیتر با شعار "برابری انسان ها " به قیمت قربانی کردن "آزادیهای فردی "چه در کمون پاریس وانقلاب فرانسه و چه در نظام های توتالیتر بعد از انقلاب کمونیستی 1917 بلشویک ها در روسیه و اقمار آن محکوم به شکشت بوده اند،اما دستاوردهمین تجارب عاملی شد تا اکثر دولت های پیشرفته صنعتی ضمن بها دادن به رشد سرمایه داری و اقتصاد آزاد،برای کاهش فاصله طبقاتی و خطر فروپاشی ،در کنار به به رسمیت شناختن سندیکا های کارگری و اصناف ،با دریافت مالیات های سنگین که بر دوش طبقات مرفه است،برای دولت امکان ارایه خدمات بی سابقه بهداشتی ،درمانی ،آموزشی و رفاهی به طبقات کم در آمد را فراهم سازدکه به نوعی فرایندی از " سرمایه داری و سوسیالیسم " می باشد و امروزه شاهدیم این الگوی اقتصادی به شکل تدریجی و با اصلاحاتی اقلیمی در نظام های کمونیستی سابق مثل چین با موفقیت نسبی دنبال می شود.

www.takbook.com

رسانه های جمعی و تلقین پذیری انسان

کلیه نظام های حاکم در جهان ما و با هر نام و سیستم حکومتی که دارند برای حفظ ارکان نظام خود در یک اصل مهم اشتراک دارند و آن تبلیغ است که از سرشت تلقین پذیر انسان ها سرچشمه می گیرد و همه آن ها می کوشند معیارهای مورد نظر خود را با بهره گیری از روش های مختلف تبلیغاتی و ارتباطی گسترده با کمک وسایل ارتباط جمعی به عنوان بخشی از وفاق و عقیده عمومی در آوردند تا مورد اعتنای جامعه قرار گیرد و به ارزش اجتماعی بدل شود چرا که آنچه را با تعابیری چون با معنا و بی معنا در وصف زندگی یک انسان به کار می رود. ارتباطی ناگسستنی با الگوها و فرهنگ و معیارهای جامعه ای دارد که فرد در آن زندگی می کند و با تلقین می توان معنا و ارزش‌ها را در ذهن انسان ها باز تعریف کرد.

در اینجاست که شاهدیم در نظام های دموکراتیک نیز دولت ها، گروه های سیاسی و مذهبی، وسائل ارتباط جمعی و سازمان های غیردولتی (*NGO*) هر کدام تلاش دارند با تبلیغات و برجسته کردن برخی معیارها، نقش ویژه خود را در الگو سازی و معنا دادن به زندگی انسان ایفا کنند، بدین سان «با معنا» در ارزش و اهمیتی است که دیگران برای کیستی و ارزش کارهای وی قایل می شوند.

این شگرد و الگوسازی را در جوامع پیشرفته و صنعتی و مدرن دوران معاصر را می توان در پرستش قدرت، موفقیت و شهرت، مدگرائی و الگو برداری از ستارگان سینما و موزیک، تجمل گرایی و ثروت اندوزی که به اشکال مختلف تبلیغ می شود ملاحظه کرد و در ذهن آدم ها آرمان ها و عقایدی را حک می کنند که فرد معنای سعادت و کمال را رسیدن به این اهداف تعبیر می کند و او آزاد است در در چارچوب این مقررات سمت و سوی زندگی فردی خود را

www.takbook.com

متناسب با بت هایی که در ذهنش حک کرده اند، شکل دهد و فردیتش به رسمیت شناخته شود.

انسان ارتباطی:

يكي از مهمترين پديده‌ها در دو سه قرن اخير، وقوع انقلاب‌هاي متعدد در زمينه‌هاي مختلف است. ماهيت هر كدام از انقلاب‌هاي رخ داده در دو سه قرن اخير موجب شده است كه ماهيت انسان به‌گونه‌اي خاص تعريف شود. براي نمونه انقلاب‌هاي قرون 17و 18 از انسان صنعتي سخن به ميان آورده؛ در حالي كه انقلاب‌هاي قرن 19 و اوايل 20 به پيدايش انسان سياسي منجر شد؛ اما در نيمه دوم قرن بيستم و همزمان با انقلاب ارتباطات شاهد ظهور انسان ارتباطي هستيم و با ظهور انسان ارتباطي دايره افكار عمومي از قلمروي نژادي و منطقه‌اي فراتر رفته و امروزه سخن از افكار عمومي جهاني به ميان مي‌آيد. تبديل افكار عمومي نژادي يا منطقه‌اي به افكار عمومي جهاني از آن جهت اهميت دارد كه امروزه برخلاف گذشته، سياست خارجي كشورها به اندازه سياست داخلي براي افكار عمومي در جهان حائز اهميت است.

از سوي ديگر بايد به اين نكته اشاره كرد كه اگر تا ديروز افكار عمومي تنها نقش هدايت‌كننده داشتند، امروزه افكار عمومي به واسطه پديد آمدن امپرياليسم خبري، جنبه هدايت‌شونده به خود گرفته‌اند.

نقش رسانه ها:

نقش رسانه‌ها از آن جهت حائز اهميت است كه تابع قاعده حضور در همه جا هستند و به واسطه همين قاعده و به گردش درآوردن اطلاعات، تغييرات شگرفي در معادلات بين‌المللي و ملي به وجود مي‌آورند. سخن گفتن از ديپلماسي رسانه‌اي در عصر حاضر كه در واقع نقش اصلي را در شكل‌دهي و جهت گيري افكار عمومي ايفا مي‌كند، تنها بخشي از اهميت كاركرد رسانه را د ر عصر حاضر نشان مي‌دهد. رسانه هاي خبري تلاش مي‌كنند اراده و افكار مردمان جوامع مختلف را تسخير و به آنها سمت و سو دهند و به همين دليل امروزه از جنگ رسانه‌اي در علوم ارتباطات و سياست سخن به ميان مي‌آيد. در بسياري از مواقع، جنگ رسانه‌اي كه گاه از آن به جنگ رواني نيز تعبير مي‌شود، هزينه‌هايي به مراتب فراتر از جنگ‌هاي نظامي بر كشورها تحميل مي‌كند.

روی دیگر سکه آنست که در این جنگ رسانه ای وبت سازی هایشان دست حاکمین نظام های به ظاهر دموکراتیک و قدرتمند جهانی را برای اهداف نهانی آنان باز می گذارد، تا تحت عناوین چون مبارزه با تروریسم و

www.takbook.com

توسعه دموکراسی برای حفظ منافع ملی و اهداف پنهانی سلطه گری خود از دست یازیدن به دخالت های مستقیم و غیر مستقیم و به صورت تهاجم فرهنگی و حتی جنگ ابائی نداشته باشند و همچنان بر طبل تهدید و سلطه گری بکوبندو تنها تفاوت بسیاری از نظام های مدعی دموکراسی با نظام های توتالیتر در آنستکه حاکمان چنین نظام هایی قوانین حقوق بشر رادر چارچوب منافع ملی کشور خود تفسیر می کنند و هر دولتی و با هر نظامی که این منافع را تامین کنداز نظرشان مشروع وقابل دفاع است در حالیکه در یک نظام توتالیتر منافع و بقای حاکمان بیش از منافع ملی در الویت قرار داردو تداوم نظام و اهداف اقلیت در قدرت، معیار ارزش هاست .

نتيجه‌گيري

بدون شك افكار عمومي يا از طريق هدايت كردن سياستمداران و جهت دادن آنها يا از طريق نظارت بر اعمال آنها، تاثير قابل ملاحظه‌اي بر محيط اجتماعي و سياسي دارد. نمود عيني افكار عمومي را مي‌توان در نتايج انتخابات، نظرسنجي‌ها، رفراندوم‌ها و... مشاهده كرد. آنچه امروزه قابل تامل است، نقش افكار عمومي به عنوان يك عامل كليدي در تدوين سياست‌هاي داخلي وخارجي كشورهاست. با وجود مطالعات و تحقيقات متعدد پيرامون افكار عمومي اين مقوله همچنان در قالب يك عامل مبهم ولي نيرومند در روند سياسي مطرح است و اين بدان علت است كه «مردم لزوما هميشه براساس آنچه كه درست است، عمل نمي‌كنند؛ بلكه براساس آنچه كه عقيده دارند درست است، عمل مي‌كنند.»

www.takbook.com

www.takbook.com

آرمان گرایی و توتالیتر

گرچه در تاریخ بشری چهره هایی چون چنگیز خان، تیمورلنگ، اسکندر مقدونی و صدها نمونه دیگر چون هیتلر و استالین پیدا شده اند که با لشکرکشی و غارت و آدمکشی بنیان گذاران نظام های توتالیتر و قدرت گرا بوده اند اما مطالعات جامعه شناسی مؤید آن بوده اند که بسیاری از جنبش های ایدئولوژیک و آرمان گرا که با شعار عدالت و برابری بر سرکار آمده اند، به تدریج مدینه فاضله (*utopia*) آنان به نظامی تمامیت خواه و توتالیتر ختم شده است چرا که به زعم رهبران فکری این نهضت ها باید هرچه سریعتر برای رسیدن به غایت نهایی اقدام کرده و موانع را از پیش رو برداشت که نتیجه آن پراگماتیسم – که هدف وسیله را توجیح می کند – بوده و در نهایت منجر به حکومتی متمرکز و نیرومند توسط عده ای قلیل و اقتدارگرا شده است که هیچگونه انتقادی را تحمل نکرده و با بسیج توده ها و به شکل مستقیم و بدون توجه به خواست دیگران عمل کرده و مخالف را سرکوب می نمایند و سرانجام سر از ناکجا آبادی در می آورند که با نیّت و آرمان های اولیه مردمی که آن نظام را بنا نهاده اند، کاملاً متفاوت است.

توتالیتارسیم بر آن است تا کلّی همگن و یگانه یافته تشکیل دهد و افراد جامعه به صورت تبدیل شوند که تابع خواست دولتمردان بوده و در برابر کنش های معین، واکنش معین و از پیش تعریف شده ای نشان دهند.

چنین نظامی شخصیت حقوقی و فردی انسان را از بین می برد و انسان ها را به دو نوع مشروع (خودی) و غیرمشروع (غیرخودی) تقسیم می کند و عده ای را شامل حمایت قوانین کشور قرار می دهد و عده ای را مشمول قاعده و رویه حقوقی نمی داند. و به قول حافظ:

شاه ترکان سخن مدعیان می شوند
شرمی از مظلمه خون سیاووشش باد

www.takbook.com

همگن سازی توده ها در جامعهٔ بسته:

در نظام های توتالیتر و جوامع بسته از آنجا که اهداف حاکمین و رهبران فکری آن ایجاد جامعه ای همگن و یکسان است ،اگر فرد فراتر از چارچوب های رایج بیندیشد با موانعی جدی روبه رو می شود و امکان ترقی او را در سطوح عالی تر سد می کنند در حالیکه در یک جامعه باز و آزاد اندیش چنین موانعی در کار نیست.

نظام های بسته همزیستی با مخالفین و منتقدین را بر نمی تابد و از هر چیزی به جز خود نفرت دارد و برای این منظور مؤسسات بسیار متشکل و مجهزی که در جامعه شناسی گروه های فشار (*Pressure Groups*) خوانده می شوند به وجود می آورد که هدف آنان هماهنگ کردن عقاید عمومی با مقاصد خودشان است و در کنار آن برای نیل به اهداف خود روش های متنوع دیگری را نیز بکار می گیرد که برای نمونه:

1. تدابیر اقتصادی:

گروه های فشار با دادن امتیازات اقتصادی به جماعت انسانی مورد نظر، آنان را به فرمان خود در می آورند و با بهادادن به نخبگانی که در خدمت نظام حاکم هستند پایه های قدرت خود را استحکام می بخشند.

2. تدابیر حقوقی:

گروه های فشار می کوشند خواست و ارادهٔ آنان به وسیله قوانین و مقرراتی که به تصویب می رسد بر مردم تحمیل گردد و گردش اطلاعات را محدود سازند.

3. تدابیر تخریبی:

گروه های فشار در نهان یا آشکار با تهدید ، خرابکاری و انهدام نهادها و ارگان های تبلیغی گروه های مخالف همت می گمارند و مانع آگاهی مردم از نظرات و مواضع منتقدین خود می گردند و با محدودیت حقوق مدنی و گاه ارعاب و آزارهای فیزیکی سبب قطع ارتباط آنان با بدنه اجتماع و هوادارانشان می شوند.

www.takbook.com

4. تدابیر تبلیغی:

گروه های فشار با قبضه کردن وسائل ارتباط جمعی و با بهره گیری از اصل تلقین پذیری انسان ها بر اثر تکرار و یادر اشکال مختلف هنری در قالب فیلم، شعر، موسیقی و ادبیات ،نظرات و خواست حاکمین رادر ذهن مردم القا می نمایند.

از آنجا که احساس آرامش و رضایت در جوامع انسانی امری آموختنی است که بر حسب الگوهای رایج آن جامعه که پیروی از آنها موجب تشویق و مقابله با آنها مستوجب تنبیه می گردد، نظام های حاکم با بهره گیری از این اصل روانشناختی، اهداف خود را با شیوه های مختلف تبدیل به ارزش و الگو می نمایند.

www.takbook.com

(جرأت استفاده از عقل خود را داشته باش، این است شعار روشنگری)

امانوئل کانت

جامعه مدنی

انسان به عنوان موجودی متفکر و هوشمند این فرصت را دارد که هستی خود را طراحی کند و به عنوان فردی اجتماعی در تعاملی کثرت گرا با دیگران و با حضور دیگران به شکل گیری خود حقیقی و اصیل نایل گردد.

ذهنیت و کیستی (*who is*) هر فردی بر اساس عوامل ژنتیک، محیط و آموزش هایی که گرفته است منحصر به فرد است و هرگز نمی توان دوکیستی شبیه به یکدیگر یافت و بر اساس دیدگاه های اگزیستانسیالیستی هانا آرنت هر انسانی مبین آغازی تازه در جهان است و می تواند طرحی نو در افکند.

لذا هر نظامی که هدفش یکسان سازی و نادیده گرفتن حقوق فردی و آزادی انتخاب انسان ها باشد راه را بر شکوفایی استعدادها و کیستی انسان می بندد و این همان معضلی است که در نظام های توتالیز به دست فراموشی سپرده می شود.

از نظر کارل پوپر در کتاب "جامعه باز و دشمنان آن" نظریه بشر دوستانه عدالت و جامعه باز سه خواست عمده دارد:

1. پیروی از اصل مساوات یعنی حذف امتیازات ویژه برخی طبقات و گروه ها
2. احترام به حقوق فردی و مخالفت با دیدگاهی که انسان را محکوم به جزم اندیشی و پذیرش بی چون و چرای احکام نظام حاکم می کند.
3. پیروی از این اصل که تکلیف و مقصود دولت باید پاسداری از حقوق و آزادی شهروندان باشد و

www.takbook.com

ایجاد شرایطی که جابجایی در قدرت بدون تحمیل هزینه های سنگین به مردم و با راهکار های دموکراتیک صورت گیرد و امکان گردش نخبگان فراهم باشد.

در واقع در یک جامعه باز بهتر است به جای این پرسش که چه کسی باید حکومت کند- پرسش تازه ای - بدین عبارت مطرح کنیم که چگونه ممکن است نهاد های سیاسی را به نحوی سازمان دهیم که بتوانیم از اینکه حکمرانان بد یا نالایق بیش از حد آسیب برسانند، جلوگیری کنیم.

در حقیقت دموکراسی واقعی، حکومت بی قید و شرط اکثریت بر اقلیت نیست، بلکه شالودۀ آن نظامی است که حافظ حقوق اقلیت ها نیز باشد وگرچه اقلیت تصمیم اکثریت را به خاطر ادامه کار نهادهای دموکراتیک می پذیرند ولی این آزادی را دادند که با وسایل دموکراتیک و مدنی اعتراض خود را بیان کنند و به روشنگری بپردازند.

گرچه در معدود مواردی اینگونه بنظر می رسد که نهاد های پوسیده و انعطاف ناپذیر حکومت هانیازمند سرنگونی و قهر انقلابی می باشند اما در بیشتر مواردبا جنبش های مدنی صلح آمیز نتایج بدست آمده می تواندبدون انقلاب و از طریق توسعه تدریجی و جذب بخشی از بدنه طبقات ناراضی و یامصلحت طلب طبقه حاکم

به اصلاح ساختار های مدنی و اقتصادی جامعه ختم گردد،به عنوان مثال حاصل انقلاب خونین فرانسه واگذاری قدرت از شرافیت زمین دار به طبقه سوداگر (بورژوازی)بوده است در حالیکه همین نتایج در انگلستان قرن نوزدهم ، بدون خونریزی و برهم خوردن آرامش عمومی حاصل گردید.

www.takbook.com

در هر حال تجارب طولانی جنبش های اجتماعی نشان داده است خیزش های توده ای که بر شالوده آگاهی و راهکارهای مدنی نباشد زمینه را برای سوء استفاده کسانی که با شعارهای انقلابی بر این موج سوار می شوند مهیا کرده و در صورت پیروزی زمینه برای قدرت گرفتن گروهی از خبرگان مهیا می سازد که پیوسته امکان لغزش آنان به سوی خود کامکی وجود دارد.

لذا بنظر می رسد بجای روش های انقلابی و پرهزینه، اصلاح مرحله به مرحله نهادهای مدنی به صورت تشکیل احزاب، گردش آزاد اطلاعات به منظور شفاف سازی عملکرد حاکمان و تقویت نهادهای نظارتی مثل شوراها و تشکل های صنفی و با مهندسی تدریجی و بدون خشونت قادریم راهکارهای مناسب را بر حسب شرایط جامعه مهیا کرده و از راه آموزش تدریجی انسان ها به حقوق انسانی و شهروندی خود، گام به گام نهادهای مردم سالار را در چارچوب دیگر نهادها جا بیندازیم و با هزینه کمتر در راه اهداف مورد نظر پیش برویم.

آینده بشر:

آنچه را امروز تحت عنوان تمدن انسانی از آن یاد می کنیم حاصل آزمون و خطا و تجارت گرانسنگی که در طول تاریخ ده هزار ساله انسان به معنای امروزیش حاصل شده است.

در پایان سخن این نکته ضروری است که فراموش نکنیم همه نظام های عقیدتی و سیاسی و ماوراء طبیعی با حضور انسان معنا و مفهوم می یابند و اگر روزی نوع بشر از میان برود هرکاری که هر انسانی تا به حال کرده و هر چیزی که آدمیان به خاطرش زیسته یا بر سرش جنگیده اند پوچ و بی معنا خواهد شد.

www.takbook.com

نگاهی به حوادث تلخی مانند جنگ جهانی اول و دوم و جنایات جنگی متعدد مانند جنگ بالکان در دهه های آخر قرن بیستم و کشتکارهایی که هنوز هم ادامه دارند نشان از شکنندگی وجدان فردی انسان ها و وابستگی ان به مکانیسم های بیرونی که ریشه در عقاید گروهی، مذهبی، قبلیه ای و یا دولت ها است، دارد و پاسخ کلیشه ای اینکه من دستورات را اطاعت کرده ام تاییدی است که تا زمانیکه آگاهی و شعور جمعی انسان‌هایی که براساس باورهای غلط و استحاله روانی آنان بنا شده، تغییر نکند، تکرار حوادث تأسف بار غیر ممکن نیست و هنوز پوسته تمدن بشری بر شالوده از بربریت بنیان شده است و برای عروج انسان، راه نپیموده بسیار است و انسان بودن مسؤلیتی عظیم را می طلبد و در اینجاست که روشنفکران و گروه های مرجع به عنوان طلایه داران برپایی جامعه ای متکثر و مبادی حقوق مدنی وانسانی رسالتی دو چندان دارند.

در هر صورت زندگی چه در افراد و چه در ملل ادعای جاودانگی ندارد و دستخوش تغییر و تحول است و انسان بودن به معنای مسئولیت پذیری در قبال خود و جامعه و کل بشریت است ، به قول ویل دورانت (سعادتمند انسانی است که تا قبل از مرگ ،تا آنجا که می تواند از میراث تمدن بشری خوسه چینی کندو به بلوغ فکری شایسته انسان برسد و این میراث گران بها را به نسل های بعدی انتقال دهد،مرگ هم امری طبیعی است ،که اگر نا به هنگام نرسد،بخشودنی است و فکر کمال یافته از رو در رویی با آن پریشان نخواهدشد .)

طیران مرغ دیدی، تو ز پای بند شهوت
به در آی ، تا ببینی طیران آدمیت

www.takbook.com

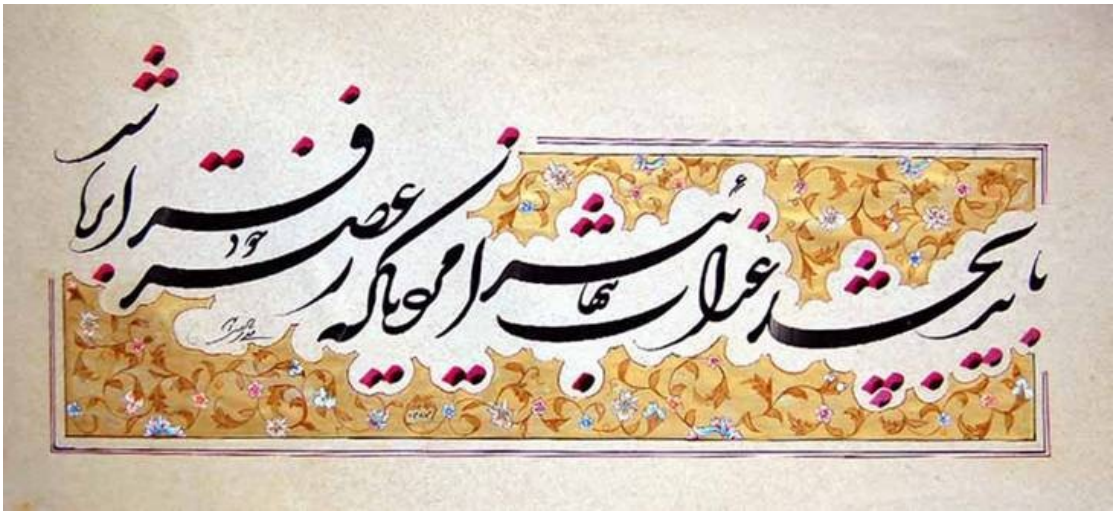

ذبیح مدرسی

خرداد 1390- اهواز

www.takbook.com

منابع فارسی

- استراترن، پل، 1386، شش نظریه ای که جهان را تغییر داد، توکلی صابری، تهران، انتشارات مازیار.
- الیاس، نوربرت، 1389، تنهایی دم مرگ، امید مهرگان – صالح نجفی، تهران، انتشارات گام نو
- آگ برن، نیم کوف، 1352، زمینه جامعه شناسی، ا.ح.آریان پور، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی
- بلیک مور، گالین، 1375، شگفتی های مغز، گیتی ناصحی، تهران، نشر نی.
- پل سارتر، ژان، 1355، اگزیستانسیالیسم، مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات مروارید.
- داوکینز، ریچارد، 1388، ساعت ساز نابینا، محمود بهزاد – شهلا باقری، تهران، انتشارات مازیار.
- دورانت،ویل و اریل 1386،درس های تاریخ،محسن خادم،تهران،انتشارات ققنوس
- دورانت، ویل و آریل، 1389، دین در تاریخ تمدن، علی فتحی لقمان، شیراز، انتشارات آوند.
- سیمونه، دومینیک، 1376، زیباترین داستان جهان، محمود سلطانیه، تهران، گلبان چاپ
- فرم، اریک، 1356، گریز از آزادی، عزت اله فولادوند، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ چهارم.
- گیدنز، آنتونی، 1376، جامعه شناسی، منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ هشتم.
- هاوکینگ، استیون، 1385، تاریخچه زمان، محمدرضا محجوب، تهران، شرکت سهامی انتشار

www.takbook.com

منابع انگلیسی

- Albert B., D. Lewis, Raberts K. gc Watson J.D “molecular Biology of the cell” New York Graland 2002.
- Gibson, Daniel , First synthetic DNA. Nature 2008.
- Gregory. S., The DNA Sequence and Boilogical annotation of Human chromosome , Nature 2006.
- Guyton Arthur, Text Book of medical physiology Sounders Company 2002.
- Maclean PD, A Triune concept of Brain and Behaviors , University of torento press 2006.
- Pretz Lavie, The Enchated world of sleep , yale university press 1996.
- Stein J.F., Introduction to Neurophysiology, lois 1982.
- Victory Ebraham, The wonders of universe Alik publishing co. 1997.
- Williams GC., Natural selection, Damain, Level and challenges, New York Oxford university press, 1992.

www.takbook.com